



عبدالله عبدالله امروز در رأس هیأتی برای شرکت در نشست مسکو به روسیه می‌رود

صفحه ۲

دانشجویان در خوابگاه دخترانه‌ی دانشگاه کابل، ده روز است که به ما غذا نمی‌دهند

صفحه ۲

ایران در دومین مرحله‌ی انتقال زندانیان، ۶۰۹ زندانی را به افغانستان تحویل داد

صفحه ۲

خواهر رهبر کوریای شمالی از دولت بایستن خواست که برای خود «در دسر نترشد»



صفحه ۶

یادداشت روز

آیا اجماع منطقه‌ای حاصل خواهد شد؟

روسیه فردا (۱۸ مارچ) میزبان نمایندگان دولت افغانستان، طالبان، نمایندگان آمریکا، روسیه، چین و پاکستان است. اجندای اصلی این نشست مسأله‌ی صلح افغانستان است. آنچه نشست فردا را متمایز می‌کند، حضور نمایندگان جناح‌های مختلف از افغانستان و کشورهای دخیل در امر جنگ و صلح افغانستان است. از افغانستان در این نشست تمامی جناح‌ها نماینده دارد. شورای عالی مصالحه، مجلس نمایندگان و چهره‌های شاخص سیاسی در سطح بالا در این نشست شرکت می‌کنند. جناح ارگ نیز در نشست فردا نماینده دارد. هرچند گفته می‌شود نه در سطح بالا طالبان نیز در چارچوب یک هیأت عالی‌رتبه دهنفری به ریاست ملا برادر، رئیس دفتر سیاسی این گروه در نشست مسکو شرکت می‌کند. نمایندگان از آمریکا، روسیه، چین و پاکستان نیز در این نشست اشتراک می‌کنند. به نظر می‌رسد ایران تنها کشور غایب این نشست است. اما این غیبت زیاد نگران‌کننده نیست. زیرا نشست فردا زیر نام نشست گروه «ترویکا» برگزار می‌شود. اعضای اصلی این گروه آمریکا، روسیه و چین است. به‌ویژه این‌که در آستانه این نشست صادق خان نماینده ویژه...

۲

غنی:

بدون انتخابات قدرت را به کسی واگذار نمی‌کنم



صفحه ۲

۴ نشوونو

قتل عام فرهنگی بامیان و تخریب تاریخ گفت‌وگویی اسد بودا با دکتر علی کریمی

دانشگاه هومبولت برلین، رویدادی را که از آن به‌عنوان قتل فرهنگی یا فاجعه فرهنگی قرن نامیده می‌شود به‌صورت موشکافانه به بررسی گرفته است. بودا: بیست سال از قتل عام فرهنگی بامیان می‌گذرد. با گذشت این بیست سال نه‌تنها عاملان این قتل عام فرهنگی در دادگاه‌های ملی و بین‌المللی...

اشاره: برنامه‌ی فرهنگی شی‌با بودا در سال‌های اخیر برای یادبود تخریب بودای بامیان برگزار می‌شود. امسال در ۲۲ حوت، در ذیل این برنامه و به مناسبت بیستمین سالروز تخریب مجسمه‌های بودای بامیان توسط گروه طالبان، اسد بودا، نویسنده و جامعه‌شناس فرهنگی با دکتر علی کریمی، پژوهشگر مطالعات ارتباطات در

۳ گزارش



انفجار موترهای لینی در شهر کابل؛ «هیچ کسی مصون نیست و همه هدفاند»

جاوید، شام روز یکشنبه، ۲۴ حوت از گولایی دواخانه با نه نفر دیگر به سمت پل سرخ حرکت کرد. تازه در ایستگاه سر کاریز رسیده بود که صدایی شنید. این صدا دو تا سه ثانیه طول نکشید که انفجار مهیبی او را از جایش...

ترجمه

صلح راه میان‌بر ندارد طرح تازه واشنگتن برای تشکیل دولت انتقالی در افغانستان بدتر از وضعیت نابه‌سامان موجود است

درسی که ایالات متحده باید پس از دو دهه در افغانستان آموخته باشد این است که برای این کشور راه‌حل سریعی وجود ندارد. این درس در مورد جنگ افغانستان صدق کرده است و در مورد هرگونه امکان صلح از راه مذاکره نیز صادق است. اما واشنگتن اکنون در حالی که باید تصمیم بگیرد آیا به مهلت اول ماه می برای خروج کامل نیروهایش از افغانستان طبق توافق‌نامه ماه فبروری ایالات متحده با طالبان پایبند بماند یا خیر، به دنبال راه میان‌بری برای دستیابی به توافق سیاسی در افغانستان است. راه میان‌بر اما وجود ندارد.

زلمی خلیل‌زاد، فرستاده آمریکا برای مصالحه افغانستان پیش‌نویس «توافق‌نامه صلح افغانستان» را به حکومت این کشور و گروه طالبان تحویل داده است. ایده اصلی این طرح جایگزینی...

۳

خانه موفقیت

The TOEFL HOUSE

Unlock the World with TOEFL

TOEFL Preparation

شعبه (کوته سنگی): کوته سنگی، گولایی دوخلافه ایستگاه سابقه.
شعبه (برچی): برچی، ایستگاه مغازه کوجه اول باغ خان.
شعبه (سليم گلرون): سرک چهل متره چهارراهی سليم گلرون.

0747 994 244
0745 651 844
0747 918 200

toeflhouse@gmail.com TOEFL House

نخست‌وزیر پاکستان به تهران سفر کرده با مقام مختلف ایران از جمله وزیر خارجه این کشور در خصوص تحولات صلح افغانستان دیدار کرده است.

همان‌گونه که چهار دهه جنگ افغانستان ریشه‌های منطقه‌ای داشته است، بدون شک پایان‌بخشیدن به این جنگ نیز به‌دست کشورهای منطقه است. در غیبت اجماع منطقه‌ای رسیدن به صلح ممکن نیست، زیرا کشورهای منطقه روی مخالفان مسلح دولت نفوذ گسترده دارند. همچنین جنگ افغانستان با تسهیلات مالی کشورهای منطقه پیش رفته است. بنابراین بدون توجه به نفوذ نامتعارف قدرت‌های منطقه‌ای در مناسبات قدرت افغانستان رسیدن به صلح تقریباً ناممکن است. یک دلیل اصلی که تلاش‌های صلح افغانستان بارها به شکست مواجه شده، همین امر بوده است. برداشت اصلی از نشست فردا این است که این نشست مقدمه‌ای برای نشست ترکیه خواهد بود. اگر چنین پیش‌بینی درست باشد، با توجه به حضور گسترده‌ی نمایندگان منطقه‌ای، جهانی و داخلی برای این پرسش که آیا در مورد صلح افغانستان اجماع منطقه‌ای حاصل خواهد شد، پاسخ خوش‌بینانه‌تری وجود دارد.

خلای بزرگی که در روند صلح دوحه وجود داشت، غیبت کشورهای تأثیرگذار در مناسبات قدرت افغانستان بود. در نشست افتتاحیه مذاکرات بین‌الاقغانی روسیه و ایران حضور نداشتند. در طول مدت که نمایندگان طالبان و افغانستان در دوحه سرگرم مذاکره بودند، قدرت‌های منطقه پیدا و پنهان از این روند انتقاد و چه بسا کارشکنی می‌کردند. طرح تازه امریکا در مورد صلح افغانستان این روند را در مسیر تازه و تغییرات جدیدی قرار داده است. مهم‌ترین تغییر به‌نظر می‌رسد توجه و تلاش برای اجماع منطقه‌ای است. بیشتر ناظران به این باورند که واشنگتن و مسکو در پیوند با مرحله جدید مذاکرات صلح اتفاق نظر دارند. اداره جدید امریکا به خوبی نقش اثرگذار کشورهای منطقه‌ای را برای موفقیت روند صلح افغانستان درک می‌کند و بیشتر از اداره پیشین ایالات متحده از نفوذ نامتعارف قدرت‌های منطقه‌ای در مناسبات قدرت افغانستان آگاهی دارد. برای همین در تلاش‌های تازه این کشور برای صلح افغانستان به نقش اجماع منطقه‌ای توجه جدی شده است. به‌عنوان نمونه واشنگتن قرار است از سازمان ملل بخواهد که نشستی بین‌المللی با حضور وزیران خارجه کشورهای منطقه از جمله روسیه، چین، پاکستان، ایران و هند برگزار کند.

رویکرد تازه‌ی امریکا درباره‌ی صلح افغانستان در خود فاکتورهای واقع‌بینانه‌تری دارد. مهم‌ترین آن تلاش برای اجماع منطقه‌ای و جهانی است. اما برای این‌که جنگ افغانستان به راه حل سیاسی برسد، اجماع داخلی نیز در کنار اجماع منطقه‌ای و اجماع جهانی نیاز است. تاکنون تنش‌های سیاسی و اختلاف نیروهای سیاسی به‌عنوان یک عامل جدی بازدارنده‌ی روند صلح که به تنش‌های منطقه‌ای پروبال بیشتری می‌داد، آسیب‌های فراوان به تلاش‌های صلح وارد کرده است. در حال حاضر نیز در افغانستان میان نیروهای سیاسی نشانه‌های پررنگ اختلاف به چشم می‌خورد. شورای عالی مصالحه‌ی ملی، شماری از چهره‌های برجسته سیاسی از طرح تازه امریکا استقبال و آن را مطابق به واقعیت افغانستان خوانده است. اما ارگ و نیروهای همسو با رییس‌جمهور غنی این طرح را سندننگین و کاغذپاره نامیده و با آن مخالفت کرده است.

چنددستگی در حوزه جمهوریت، ضمن این که به سقوط جمهوری اسلامی به کام امارت اسلامی یا دست‌کم نافذشدن طالبان بر جمهوریت در مذاکرات و توافق صلح منجر می‌شود، اجماع منطقه‌ای را نیز به‌شدت آسیب می‌زند. هرکسی که از روند صلح بیرون بماند به‌راحتی متحد منطقه‌ای پیدا می‌کند و جنگ همچنان ادامه پیدا می‌کند. در نامه‌ی پرحاشیه وزیر خارجه امریکا به رییس‌جمهور غنی این نگرانی بسیار برجسته است. بلنکین گفته بود که نبود اجماع میان رهبران افغان، سبب پیامد فاجعه‌بار در دهه نود شد و نباید چنین کاری بار دیگر تکرار شود. بنابراین، در شرایطی که امکان رسیدن به صلح در افغانستان بیشتر از هر زمان دیگری ممکن شده است، ایجاب می‌کند که افغانستان به‌عنوان یک حکومت با پشتیبانی نیروهای وسیع سیاسی از این فرصت استفاده کند. دوری جستن از اختلاف در حال حاضر، مهم‌ترین کارخانگی نیروهای سیاسی افغانستان است.

اطلاعات روز: رییس‌جمهور اشرف غنی می‌گوید که بدون برگزاری انتخابات حاضر به انتقال قدرت به جانشین خود نیست.

ارگ ریاست‌جمهوری با نشر خبرنامه‌ای گفته است که آقای غنی این موضوع را دیروز (سه‌شنبه، ۲۶ حوت) در سیمیناری که تحت عنوان «اولویت‌های سیاست خارجی و اصلاحات دستگاه دیپلوماسی افغانستان» در وزارت خارجه دایر شده بود، مطرح کرده است.

به نقل از خبرنامه، آقای غنی افزوده است: «اگر طالبان فردا هم به انتخابات حاضر باشند، ما آماده هستیم، اما بدون انتخابات

حاضر به انتقال قدرت به جانشین خود نیستم.»

به گفته‌ی او، «۴۲ سال جنگ برای افغانستان کفایت می‌کند و مردم افغانستان هم مانند سایر ملت‌های جهان حق زندگی دارند». اشرف غنی تأکید کرده است که بر مبنای قانون اساسی، هیچ فردی حق سلب تابعیت یک «افغان» را ندارد.

او در این سیمینار از «استعجالیّت» امریکا در زمینه‌ی صلح افغانستان، قدردانی کرده، اما گفته است که افغانستان نسبت به سایر کشورهای منطقه و جهانی برای دستیابی به صلح، «صد برابر» استعجالیّت دارد.

در همین حال، آقای غنی اما گفته است که افغانستان برای تأمین صلح پایدار و عادلانه به عوض احساسات براساس واقعیت‌ها، به پیش می‌رود.

او افزوده است که براساس نقشه‌ی راه حکومت به‌خاطر رسیدن به صلح پایدار و عادلانه، افغانستان به حاکمیت ملی، جمهوریت، وحدت ملی، بی‌طرفی، اتصال و صلح پایدار و عادلانه خواهد رسید.

رییس‌جمهور غنی بیشتر در در مراسم افتتاحیه سال سوم کاری دوره هفدهم تقنینی شورای نیز گفته بود که انتخابات برای او «یک اصل غیرقابل معامله است» و

گروه طالبان در شمال شرق کشور از ولایت‌های ناملن است که جنگ‌جویان گروه طالبان در بخش‌هایی از این ولایت از جمله شهر پلخمری حضور و فعالیت دارند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

حمله‌ی طالبان بر موتر حامل استادان و دانشجویان دانشگاه بغلان؛ راننده و یک دانشجو کشته شدند

شده‌اند. زخمیان هم‌اکنون برای درمان به شفاخانه منتقل شده‌اند. او تأکید کرد که این افراد زمانی مورد حمله‌ی طالبان قرار گرفته که سوار بر یک عرادۀ موتر نوع «کاستر» به طرف دانشگاه بغلان در حرکت بوده‌اند.

وزارت تحصیلات عالی کشور نیز کشته شدن دو نفر به‌شمول راننده‌ی موتر و یک دانشجو را در این حمله تأیید کرده است. این وزارت همچنان گفته است که در این رویداد چهار استاد دانشگاه زخمی شده‌اند.

گروه طالبان در شمال‌شرق کشور از ولایت‌های ناملن است که جنگ‌جویان گروه طالبان در بخش‌هایی از این ولایت از جمله شهر پلخمری حضور و فعالیت دارند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

عضو حزب اسلامی و غیرت بهیر عضو حزب اسلامی از دیگر افرادی‌اند که از آن‌ها به‌عنوان اشتراک‌کنندگان احتمالی نشست مسکو نام برده شده‌اند.

فریدون خزون، سخن‌گوی شورای عالی مصالحه‌ی ملی در صحبت با روزنامه اطلاعات روز حضور برخی از این افراد را در ترکیب هیأت افغانستان برای شرکت در نشست مسکو تأیید کرده است.

روسیه قبلاً از دولت افغانستان، طالبان، کشورهای منطقه از جمله پاکستان و چین و همچنان از ایالات متحده‌ی امریکا برای شرکت در نشست مسکو دعوت کرده است. وزارت خارجه‌ی ایالات متحده‌ی امریکا گفته است که زلمی خلیل‌زاد، نماینده‌ی ویژه‌ی این کشور در نشست مسکو شرکت می‌کند.

جالینا پورتر، معاون سخن‌گوی وزارت خارجه‌ی امریکا دو روز پیش (دوشنبه،

خبرهای داخلی

غنی:

بدون انتخابات قدرت را به کسی واگذار نمی‌کنم

www.etilaatroz.com

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

هر کسی که به دنبال قدرت است باید از همین مجرا بگذرد.

او درحالی این گفته‌ها را مطرح می‌کند که زلمی خلیل‌زاد، نماینده‌ی ویژه‌ی امریکا برای صلح افغانستان در جریان سفرش دو هفته پیش خود به کابل، طرحی را به رییس‌جمهور غنی، عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی و شماری از چهره‌های سیاسی سپرده است.

براساس این طرح، پس از حصول توافق بر سر مسایل اساسی و پس از شروع روند آنکارا، انتقال قدرت به دولتی انتقالی صورت می‌گیرد.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.

او همچنان گفت که در این رویداد، شش نفر از استادان دانشگاه بغلان نیز زخمی بوده‌اند.

گروه طالبان اما دست‌داشتن در این حمله را رد و آن را محکوم کرده است.



لورل میلرو و اندرو واتکینز،
قارن پالیسی
مترجم: جلیل پڑواک

درسی که ایالات متحده باید پس از دو دهه در افغانستان آموخته باشد این است که برای این کشور راه حل سریعی وجود ندارد. این درس در مورد جنگ افغانستان صدق کرده است و در مورد هرگونه امکان صلح از راه مذاکره نیز صادق است. اما واشنگتن اکنون درحالی که باید تصمیم بگیرد آیا به مهلت اول ماه می برای خروج کامل نیروهایش از افغانستان طبق توافق نامه ماه فوروری ایالات متحده با طالبان پایبند بماند یا خیر، به دنبال راه میان‌بری برای دستیابی به توافق سیاسی در افغانستان است. راه میان‌بر اما وجود ندارد.

زلمی خلیل‌زاد، فرستاده امریکا برای مصالحه افغانستان پیش‌نویس «توافق‌نامه صلح افغانستان» را به حکومت این کشور و گروه طالبان تحویل داده است. ایده اصلی این طرح جایگزینی حکومت منتخب افغانستان با یک دولت به اصطلاح انتقالی است که در آن طالبان نیز شامل باشد و سپس بین اعضای بر سر نظام آینده دائمی افغانستان مذاکره صورت گیرد. آنچه در این پیش‌نویس مشخص نشده است، سهم دقیق هر یک از طرف‌های درگیر جنگ از قدرت و نیز این مسأله است که کدام یک از طرف‌ها نهادهای امنیتی را کنترل کند.

همزمان با ارائه این طرح، آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه ایالات متحده در نامه‌ای که خیلی زود به رسانه‌ها درز کرد، خطاب به رییس‌جمهور اشرف غنی نوشته است که «تسریع گفت‌وگوهای صلح» برای «دستیابی سریع به توافق» یک امر «ضروری» است. در این نامه آمده است که ایالات متحده از ترکیه خواسته است که در «هفته‌های آینده برای نهایی کردن توافق‌نامه صلح» میزبانی نشستی رده‌بالا را بین طرف‌های افغان برعهده گیرد. در این نامه همچنین به کاهش ۹۰ روزه خشونت (که به معنای آتش‌بس نیست) همزمان با ادامه دیپلماسی، اشاره شده است که نشان می‌دهد واشنگتن می‌داند که دستیابی به توافق سیاسی طی چند هفته بعید است (این کاهش ۹۰ روزه خشونت از جانب ایالات متحده پیشنهاد شده است).

احتمال موافقت رهبران طالبان یا غنی با هر طرحی مثل این پیش‌نویس توافق‌نامه صلح پیشنهاد شده توسط ایالات متحده، بسیار ناچیز است. اما اگر موافقت هم کنند، نتیجه بدتر از وضعیت ناکام فعلی خواهد بود.

از نظر طالبان این طرح بیش‌از حد ویژگی‌های حکومت موجود را دارا است؛ تعهد طرف‌ها به

برگزاری انتخابات و حفظ قانون اساسی فعلی افغانستان تا زمان تدوین قانون اساسی جدید از جمله موارد پیشنهادی این طرح است. شواهد موجود در مورد تفکر طالبانی نشان می‌دهد که این گروه هرگونه ترتیب و قراری را که باعث شود این گروه به نظر برسد در ازای دریافت سهم جزئی از قدرت، در نظامی گنجانده می‌شود که جنگ‌جویانش سال‌ها با آن جنگیده‌اند، رد می‌کند.

از نظر غنی، این طرح بر این فرضیه که او قدرت را کنار بگذارد، استوار است. تندباید سیاسی ناشی از این دریافت تلخ به علاوه لحن نسبتاً نامتعارف بلینکن کابل را در نوردیده است. در این میان امرالله صالح، معاون رییس‌جمهور صریح‌ترین واکنش را نشان داده و گفته است که افغانستان هرگز «صلح آمرانه و تحمیلی را نمی‌پذیرد». غنی می‌داند که علاقه‌مندان اصلی ایده تشکیل دولت انتقالی، مخالفان سیاسی وی و مجاهدین سابق افغانستان هستند که بوی بردن سهمی از قدرت در حال تقسیم به مشام‌شان خورده. چنانچه طرح جدید ایالات متحده برای صلح افغانستان اجرایی شود، که بعید است، ترتیبی را که برای تقسیم قدرت در افغانستان پیش‌بینی می‌کند، مستعد سقوط و فروپاشی است. بدنه‌ای متشکل از چندین جناح به علاوه طالبان (آن‌هم قبل از پایان روند صلح و قبل از این‌که این جناح‌ها بر سر مسائل اصلی مورد اختلاف‌شان به نتیجه برسند) نسبت به حکومت شکننده فعلی افغانستان ناکارآمدتر و بی‌ثبات‌تر خواهد بود. کار دشوار مذاکره در مورد ساختار دولت آینده افغانستان از طریق برچیدن زود هنگام نظام فعلی این کشور آسان نخواهد شد. و اگر یک دولت انتقالی شکننده ناکام شود، آتش‌بسی که طرح ایالات متحده وعده می‌دهد، یک‌جا با دولت انتقالی از بین می‌رود.

طرح پیشنهادی ایالات متحده بازتاب‌دهنده ناامیدی واشنگتن از غنی است. منتقدان رهبر افغانستان وی را به سنگ‌اندازی در روند صلح، که اقتدار از قبل ضعیف حکومت وی را ضعیف‌تر کرده است، متهم می‌کنند. انتخابات‌های گذشته افغانستان به شدت مورد مناقشه بودند، سیاست در این کشور عمیقاً فاسد است و درحالی‌که شورشیان طالبان در بیشتر مناطق روستایی افغانستان آزادانه فعالیت می‌کنند، خدمات‌رسانی دولت به طور فزاینده‌ای به مراکز شهری و پرجمعیت محدود می‌شود.

اما هرچقدر هم که غنی مانع پیشرفت روند باشد، برچیدن حکومت منتخب افغانستان بعید است که باعث تسریع روند دستیابی به صلح در این کشور شود. گذشته از این طالبان هم چندان سریع حرکت نکرده‌اند. مذاکرات دوجانبه بین ایالات متحده و طالبان بیش

صلح راه میان‌بر ندارد

طرح تازه واشنگتن برای تشکیل دولت انتقالی در افغانستان بدتر از وضعیت نابه‌سامان موجود است



اگر ایالات متحده می‌خواهد به گفت‌وگو فرصت واقعی دهد، باید نیروهایش را پس از اول ماه می در افغانستان نگه دارد. ایالات متحده از حضور این نیروها به‌عنوان اهرم فشار برای دستیابی به یک توافق و جلوگیری از وخامت بیشتر اوضاع امنیتی افغانستان استفاده کند.

از یک سال طول کشید و تنها پس از آن‌که ایالات متحده امتیازات متعددی را به طالبان واگذار کرد، این گروه به امضای توافق‌نامه چهار صفحه‌ای با ایالات متحده راضی شد. در این توافق‌نامه جدول زمانی خروج نیروهای امریکایی و ناتو تعیین شده است و طالبان به صورت مبهم به جلوگیری از تبدیل شدن افغانستان به سکوی طرح‌ریزی و انجام حملات تروریستی متعهد شده‌اند. طالبان همچنین از ارائه جزئیات در مورد چشم‌انداز سیاسی که این گروه به دنبال تحقق آن در افغانستان است خودداری کرده‌اند. بیانیه‌های رسمی طالبان مبنی بر این‌که جنبش آن‌ها تا حدودی با تقسیم قدرت در افغانستان موافقت خواهد کرد، در مغایرت با پیام‌های داخلی این جنبش است که در آن بر پیروزی و فتح تأکید می‌شود.

پس از تأخیرهای متعدد که ایالات متحده به اندازه هر طرف دیگر مقصر آن است، گفت‌وگوهای صلح افغانستان سرانجام در سپتامبر سال گذشته در دوحه قطر آغاز شد. گفت‌وگوها بسیار آهسته پیش می‌رفت زیرا طرف‌ها منتظر اعلام تصمیم حکومت جدید ایالات متحده درباره این بودند که آیا واشنگتن به روند قبلی که توسط حکومت پیشین تسهیل شده بود، پایبند می‌ماند یا خیر.

سرعت پایین مذاکرات همراه با مهلت نزدیک‌شونده خروج نیروهای خارجی از افغانستان مشکل را دو برابر کرده است. این مشکل به این دلیل ایجاد شده است که در توافق‌نامه ایالات متحده و طالبان، تطبیق جدول زمانی خروج، مشروط به هرگونه پیشرفت در مذاکرات تعریف نشده است. اما این مشکل را نمی‌توان با اعمال فشار به منظور

تسریع روند دشوار دستیابی به توافق سیاسی حل کرد.

به نتیجه رساندن روند صلح در دوحه کار دشواری خواهد بود، اما اکنون برای جدا شدن از روندی که آغاز آن سال‌ها زمان برد و تازه شروع شده است خیلی زود است. واشنگتن به جای تبلیغ طرح جدیدش که تقریباً هیچ شانس برای پذیرفته شدن ندارد و باعث تضعیف بیشتر دولت افغانستان می‌شود، باید انرژی خود را صرف تلاش برای آزمایش این مسأله کند که آیا امکان این وجود دارد که روند دوحه به نتیجه مثبت ختم شود، یا خیر. این تلاش باید شامل بسیج قدرتهای منطقه‌ای به ویژه پاکستان، ایران، چین، روسیه و هند (که با بازیگران منازعه افغانستان ارتباط دارند) برای پیشبرد روند موجود شود. نشست‌های سطح بالا با اشتراک این کشورها که واشنگتن از سازمان ملل متحد خواسته آن را برگزار کند، ایده خوبی است، اما ذینفعان به طرح صلح بهتری نسبت به طرح پیشنهادی جدید ایالات متحده، برای اجماع پیرامون آن نیاز دارند.

اگر ایالات متحده می‌خواهد به گفت‌وگو فرصت واقعی دهد، باید نیروهایش را پس از اول ماه می در افغانستان نگه دارد. ایالات متحده از حضور این نیروها به‌عنوان اهرم فشار برای دستیابی به یک توافق و جلوگیری از وخامت بیشتر اوضاع امنیتی افغانستان استفاده کند.

گفت‌وگوهای جاری بهترین استدلالی است که واشنگتن می‌تواند برای قدرتهای منطقه‌ای، به ویژه پاکستان، در رابطه به این سؤال‌شان ارائه کند که چرا آن‌ها باید طالبان را مجبور به لغو مهلت یکم ماه می برای خروج کامل نیروهای امریکایی کنند.

اما اگر گفت‌وگوها به هم بخورد (که احتمالش با توجه به عمق اختلاف طرف‌ها و این واقعیت که روندهای صلح به ندرت به موفقیت می‌رسند، وجود دارد) داشتن یک حکومت ناکارآمد اما پابرجا در افغانستان بهتر از داشتن حکومت چاره‌ای انتقالی است که دوامش پس از پایان مذاکرات بعید می‌نماید. و اگر حکومت بایدن قصد دارد نیروهای امریکایی را طبق مهلت تعیین‌شده از افغانستان خارج کند، پس بهتر است ریسک بر جای گذاشتن چنین خرابی را نکند.

لورل میلر، مدیر برنامه آسیای گروه بین‌المللی بحران است. او از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ به‌عنوان معاون و سپس به‌عنوان سرپرست نماینده ویژه برای افغانستان و پاکستان در وزارت امور خارجه ایالات متحده خدمت کرده است.

اندرو واتکینز تحلیل‌گر ارشد امور افغانستان در گروه بین‌المللی بحران است.

گزارش

قانون و اخلاق را بشکنند و با سلاخی کردن و کشتار و انسان‌های بی‌گناه نهایت رعب و وحشت را ایجاد کنند و به این ترتیب زمینه‌های پیروزی خود را فراهم کنند. یا به لحاظ روانی قضیه بخوانند ناکارآمدی حکومت و بی‌پناهی مردم را نشان دهند و در نهایت از مردم بخواهند که تسلیم آنان شوند.»

به باور آقای رحمانی، ضعف مسئولان امنیتی، نبود هماهنگی و برنامه‌ریزی، فساد گسترده و نبود نظارت بهینه و درست پارلمان از اعمال حکومت و در نهایت تسلیم شدن مردم به وضعیت، دست به دست هم داده‌اند و وضعیت را به این‌جا کشیده است.

گفت‌وگوهای صلح افغانستان وارد مرحله‌ی جدیدی شده است. تلاش‌های صلح افغانستان در حال حاضر متوقف است اما نقشه‌ی تازه‌ای برای صلح افغانستان ترسیم شده است. قرار است در ماه اپریل نشست‌ی شبیه نشست بن در استانبول ترکیه برگزار شود و در آن‌جا روی تشکیل حکومت عبوری، انتقال قدرت و شکل و نظام آینده‌ی کشور بحث و گفت‌وگو شود.

جاوید کوهستانی، آگاه امور نظامی و سیاسی در صحبت با روزنامه اطلاعات روز این حملات را تلاشی در راستای برهم‌زدن روند گفت‌وگوهای جاری صلح می‌خواند: «در مجموع حملات انفجاری که صورت می‌گیرد، پیچیده است. برای این‌که روند مذاکرات برهم بخورد، چنین حملاتی انجام می‌شود.»

پیش از این چنین حملاتی بالای فعالان مدنی، خبرنگاران، عالمان دینی و کارمندان ملکی دولت انجام می‌شد. اما حملات دو روز گذشته نشان می‌دهد که هیچ کسی مصون نیست و همه هدف‌اند.

انفجار موترهای لینی در شهر کابل؛

«هیچ کسی مصون نیست و همه هدف‌اند»

عالمان دین انجام شده است. حکومت افغانستان طالبان را مسئول این حملات می‌داند و استدلال می‌کند که این گروه با این کار در واقع ارزش‌های دو دهه‌ی گذشته را هدف قرار می‌دهد. در سوی دیگر گروه طالبان مدعی است که این کار از سوی حلقاتی در داخل حکومت افغانستان انجام می‌شود تا گفت‌وگوهای صلح را به بن‌بست بکشاند.

بر پایه آمار فرماندهی پولیس کابل، تنها در ماه فبروری ۲۵ انفجار در شهر کابل رخ داده که اکثر آن ناشی از انفجار ماین‌های مقناطیسی بوده است. فرماندهی پولیس کابل درباره شمار دقیق تلفات این انفجارها اطلاعاتی ارائه نمی‌کند اما می‌گوید که در این مدت، پولیس کابل از ۲۰ رویداد انفجاری جلوگیری کرده است.

آگاهان امور معتقدند که انجام حملات شبیه انفجار عصر دیروز و انفجارهای شام دو روز پیش در کابل، تلاشی است برای گسترش فضای بی‌اعتمادی مردم به دولت و نابودی امید به آینده.

عارف رحمانی، نماینده مردم غزنی در مجلس نمایندگان معتقد است که طالبان آخرین تلاش‌هایش را انجام می‌دهند تا مردم را نسبت به آینده ناامید و به این ترتیب زمینه‌ی پیروزی‌شان را فراهم کنند.

«من فکر می‌کنم تروریست‌های که می‌خواهند یک بار دیگر بر این سرزمین حاکم شوند، مرزهای حقوق بشر،

معاش کند: «با همان موتر روزگار خود را می‌چلانم. حالا نمی‌دانم چه کار کنم.»

هم‌زمان با انفجار موتر جاوید، یک تونس دیگر در فاصله‌ی نه‌چندان دور در منطقه‌ی پل سوخته هدف ماین مقناطیسی قرار گرفت. براساس اطلاعات وزارت داخله در دو انفجار شام روز یکشنبه، در ناحیه ششم شهر کابل پنج تن کشته و ۱۶ تن دیگر زخمی شدند.

یک روز پس از آن، یک موتر نوع کاستر حامل کارمندان وزارت مخابرات هدف ماین مقناطیسی قرار گرفت. براساس اطلاعات دفتر معاونیت اول ریاست‌جمهوری، چهار نفر در این رویداد کشته و ۱۵ نفر دیگر زخمی شده‌اند. طبق گزارش رسانه‌ها قربانیان این رویداد، چهار زن و یک کودک هستند. گفته می‌شود یکی از این زنان باردار بوده و کودک سه ساله‌ای که کشته شده هم فرزند او بوده است.

قربانیان هر سه رویداد افراد ملکی هستند، با این تفاوت که انفجار عصر دیروز بر کارمندان ملکی دولت انجام شد. هیچ گروهی مسئولیت این رویدادها را به عهده نگرفته است.

با آغاز گفت‌وگوهای بین‌الافغانی در دوحه‌ی قطر ترورهای هدفمند و انفجارهای ماین‌های مقناطیسی نیز آغاز شد. این حملات بیشتر بر جان فعالان جامعه مدنی، خبرنگاران، کارمندان ملکی دولت و در برخی موارد

لطف‌علی سلطانی

جاوید، شام روز یکشنبه، ۲۴ حوت از گولایی دواخانه با نه نفر دیگر به سمت پل سرخ حرکت کرد. تازه در ایستگاه سر کاریز رسیده بود که صدایی شنید. این صدا دو تا سه ثانیه طول نکشید که انفجار مهیبی او را از جایش بالا کرد و به سقف موتر کوبید. موتر جاوید در جا آتش گرفت و بیشتر مسافران سراسیمه خودشان را به‌نجوی از داخل موتر به بیرون پرت کردند. از این میان فقط دو تن که در چوکی آخر تونس نشسته بودند، نتوانستند خودشان را بیرون کنند. به قول جاوید یکی از آنان خانم بود. آنان در میان شعله‌های آتش سوختند و جان دادند.

جاوید می‌گوید پولیس که به ساحه رسید با او رویه «بسیار زشت» کرده است؛ طوری که گویی او مجرم است و ماین را خودش در موترش جاسازی کرده است: «پولیس به شکلی با من رویه کرد که فکر می‌کرد مجرم هستم و این کار را من انجام داده‌ام. مرا ولچک کرد. موبایل مرا گرفت. از خانه برای من زنگ می‌آمد. پریشان شده بودند ولی پولیس اجازه نمی‌داد آن را جواب بدهم. مرا به حوزه بردند و از من بازجویی کردند. تا در نهایت تیم امنیت ملی آمد و مرا از شر آنان خلاص کرد. خداوند خیر دهد تیم امنیت ملی را.»

موتر جاوید به کلی تخریب شده است. از آن فقط چند پارچه آهن به‌جا مانده است. جاوید در کنار برادر بزرگ‌ترش در مسیر پل سرخ - برچی مسافرخشی می‌کند. درآمد روزانه‌ی او از این کار حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ افغانی بوده است. او و برادرش نان‌آور خانواده هستند. حالا که موترش تخریب شده، نگران است که چگونه امرار

کوشش می‌کرد تا بودای خوابیده را پیدا کند. آن زائر می‌نویسد که بودای خوابیده بسیار کلان بوده است. اما آن بودا هنوز پیدا نشده است. در مورد بازار بامیان می‌نویسد که این مردم از نگاه تجارت بسیار فعال، ولی بسیار دین‌دار هستند، چیزی که از همسایه‌های‌شان آن‌ها را متمایز می‌کند. از نگاه چهره شبیه مردم تخارا (نام باستانی ترکستان) هستند و مثل آنها لباس می‌پوشند ولی زبان‌شان کمی فرق دارد. او می‌گوید در وسط دره بامیان یک قصر پادشاهی وجود داشته که احتمالا همین شهر غلغله باشد. در این‌جا مردمی زندگی می‌کردند که نظام اقتصادی داشتند، نظام سیاسی و پادشاه داشتند که می‌توانست منابع

را بسیج کند. فرهنگ و تمدن بامیان بیشتر جنبه بصری داشته، از مجسمه‌ها و صومعه‌ها گرفته تا کتاب‌ها. بامیان باستان یک کتابخانه بسیار عظیم داشته است. کتاب‌ها را روی چوب و بعضی چیزهای دیگر می‌نوشتند. کتاب‌ها هنوز وجود دارد و باستان‌شناسان آن‌ها را پیدا کرده‌اند که در دو کلکسیون در ناروی و انگلیس نگهداری می‌شود. این کتاب‌ها به چند زبان است که نشان می‌دهد تمدن بامیان چقدر چندفرهنگی بوده است. محتوای این کتاب‌ها در مورد مسائل دینی است.

بودا: شما اشاره کردید که بامیان یک مکان مذهبی بوده، از منظر فرهنگ‌شناسی زیارت نقش مهم در توسعه ادیان و فرهنگ‌ها دارد. مثلا در دنیای امروز مکه، کربلا، کلیسای کاتولیک و اورشلیم مکان‌هایی است که ایده‌ها را پخش می‌کنند و منبع بسیاری از ایده‌ها، ایدئولوژی‌ها و توسعه فرهنگ هستند. اگر بامیان را به‌عنوان یک مرکز مذهبی در نظر بگیریم، معنی دیگرش این است که در آن زمان یکی از مراکز زیارتی برای زائران بوده که یکی از دلایل توسعه بامیان ممکن باشد. ولی یک نکته‌ی مهم این است که اگر بودیسم از بلخ به سمت بامیان آمده باشد، چون بلخ حوزه تلاقی تمدن فارسی و بودیسم یا زرتشتی و بودیسم است، آیا امکان این وجود دارد که ارتباط تمدن بودیسم و زرتشتی را در بلخ بررسی کنیم که این‌ها در کنار هم چطور بوده؟ و بعد اسلام آمده و برخوردش با دین بودیسم و زرتشتی چگونه بوده است؟

کریمی: من هم فکر می‌کنم که بودیسم قبل از بامیان به بلخ آمده بود، چرا که معبد نوبهار قبل از بودای بامیان ساخته شده بوده. ولی این داد و ستد فرهنگی، و این دید باز به فرهنگ‌های مختلف همیشه در این‌جا وجود داشته است. همان زائر چینی می‌نویسد که وقتی به کاپیسا آمدم، برای اولین بار راهب‌های هندو را دیدم. آن‌ها از من دعوت کردند که همراه‌شان مناظره کنم. او می‌نویسد که در چندین جایی که رفتم، روحانیون مذاهب دیگر مرا به مناظره دعوت می‌کردند. یعنی یک نوع رواداری مذهبی همیشه وجود داشته است. اما در دوران اسلام سخت‌گیری مذهبی و تکفیر زیاد می‌شود. ولی پیش از آن ادیان بودیسم و زرتشتی میان خود خشونت نداشتند. بلکه کوشش می‌کردند که با همدیگر مناظره کنند.

همان‌طور که آن زائر چینی می‌گوید در بامیان چندین صومعه بود، زمربالی طرزی یکی از آن صومعه‌ها را یافته است که یک مرکز دینی و زیارتگاه بوده و راهب‌ها برای درس خواندن آن‌جا می‌آمدند. این صومعه را

فرهنگ فارسی قدیم، هلینیسم، فرهنگ هندویسم و چین. بامیان این امکان و ظرفیت را داشته که هنرمندان را جذب کند. سوال این است که مدیریت همچون انگیزه‌ها و خواسته‌ها نیاز به یک ساختار و سیستم شهری دارد، آیا می‌شود گفت که در آن زمان سیستم چگونه بوده است؟ چون بودای بامیان سبک هنری گندهارا است، در دنیای هنر یک حرف است که بودا در هنر گندهارا به نیروانا می‌رسد، یعنی پیچیده‌ترین شکل هنری بودیسم، در حوزه گندهارا است. در پشت سازمان‌دهی این انگیزه‌ها چگونه سیستم بوده؟

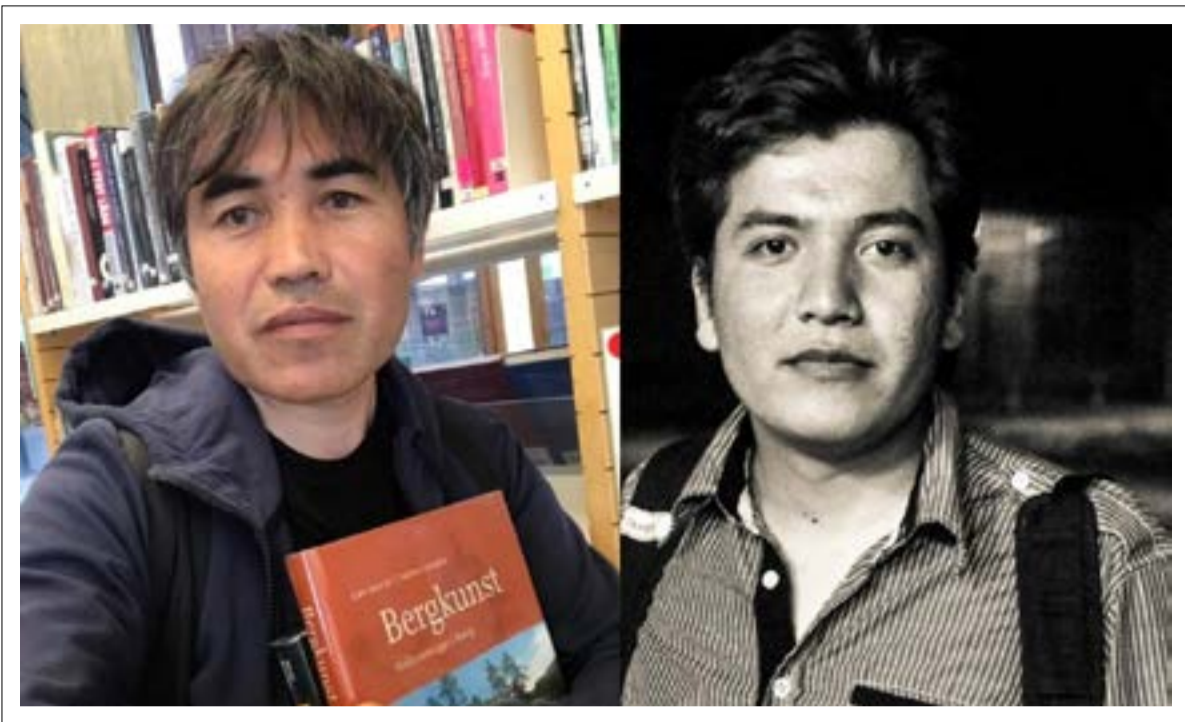
کریمی: وقتی ما مجسمه‌ی عظیم شبیه بودای بامیان را می‌بینیم، یک چیز واضح است که یک جامعه‌ی دهقانی نمی‌تواند چنین چیزی بسازد. نیاز به یک نظام پیچیده سیاسی و اقتصادی بوده که منابع لازم را برای ساختن آن در دسترس داشته باشد. منابع انسانی مثل هنرمندان بسیار ماهر، منابع مالی و منابع مدیریتی لازم است که یک شهر ساخته شود و در اطراف آن مجسمه‌های عظیم در دل کوه ساخته شود.

اتفاقا یک گزارش خوب از آن دوره داریم. یک راهب و زائر چینی به‌نام «زوان زنگ» (Xuanzang) که بودایی بوده، در قرن هفت میلادی از مرکز چین حرکت می‌کند، از ترکستان چینی یعنی کاشغر سفر خود را شروع می‌کند و به طرف سمرقند و بخارا آمده، از آمودریا می‌گذرد و به طرف کندز، بلخ، بامیان، کاپیسا می‌آید و به طرف هند می‌رود. در آن زمان همین مسیر قلمرو بودایی بوده است. او در هر جایی که می‌رسد یک گزارش در مورد مذهب بودیسم، زبان، فرهنگ و اقتصاد همان منطقه می‌نویسد.

وقتی این زائر چینی به بلخ می‌آید، می‌نویسد که در آن‌جا صد عبادتگاه/صومعه و سه‌هزار راهب وجود داشت. کلان‌ترین عبادتگاه بودایی بیرون از شهر در منطقه‌ی نوبهار بوده که آن زمان نام دیگری داشته. او می‌نویسد که داخل این عبادتگاه یک مجسمه‌ی عظیم بودا است، آن‌قدر با طلا و جواهرات مزین شده که شاید ثروت‌مندترین مرکز در منطقه باشد، و این باعث می‌شود که غیربودایی‌ها در آنجا حمله کنند تا طلا و جواهرات آن را بدزدند.

بعدها همان طبقه راهب و روحانیون منطقه نوبهار به دین اسلام گرویدند که در تاریخ مشهور به برمکی شدند. برمکی‌ها به بغداد رفتند، آن‌جا وزیر شدند و به مقامات عالی رسیدند. برمکی‌ها آن عبادتگاه بودایی را تبدیل به مسجد کردند که به مسجد نُه‌گنبد مشهور است. این مسجد یکی از نخستین مساجد در تاریخ اسلام در منطقه شرق است. زائر چینی از بلخ به طرف بامیان می‌رود (دقیقا در سال ۶۳۰ بعداز میلاد از بامیان دیدن می‌کند). چنان‌که او تعریف می‌کند، بودای کلان از نظر ظاهری به رنگ سرخ و آبی و بودای کوچک به رنگ سفید و آبی بوده است. او می‌نویسد که بودا بسیار رنگ و نگار بود، زمانی‌که آفتاب می‌زد رنگ طلائی چهره بودا روشنی‌اش از دور نمایان بود. در بامیان ۱۰ صومعه وجود داشته و هزار راهب. یک صومعه‌ی کلان وجود داشته که در آن‌جا یک بودای خوابیده هم بوده است.

زمربالی طرزی اباستان‌شناس افغانستانی و استاد دانشگاه استراسبورگ فرانسه که در سال ۲۰۰۲م، ریاست هیأت باستان‌شناسی فرانسه را برعهده داشت و ساحه بودای بامیان را حفاری کرده است [براساس همین نوشته



قتل‌عام فرهنگی بامیان و تخریب تاریخ

گفت‌وگوی اسد بودا با دکتر علی کریمی

نویسندگان است.

معمولا مردم عام و هم تحصیلکرده افغانستان بیشتر از معلومات علمی و دقیق، داستان‌های فولکلوریک درباره‌ی تاریخ و تمدن بامیان به یاد دارند. حافظه‌ی تاریخی ما آسیب‌دیده و ضعیف است و در مورد گذشته معلومات نداریم. مثلا هنوز ما ماجرای تخریب تندیس‌های بودا را دقیق و با جزئیات کامل نمی‌دانیم. بسیار ساده می‌گویند که ملا عمر خراب کرد، ولی نمی‌دانیم که به غیر از ملا عمر دیگر چه کسی و کسانی در تخریب بودا دست داشتند. ما خیال می‌کنیم که بودای بامیان در سال ۲۰۰۱م، تخریب شد، البته همان‌طور هم شد. شبکه الجزیره فیلم گرفت. اما جریان تخریب بودا از سال ۱۹۹۹م، شروع شده بود. در خزان سال ۱۹۹۹م، طالبان تخریب بودای کوچک را شروع کردند. یعنی این یک تصمیم آنی نبوده، بلکه یک پلان پیچیده بود و طالبان از بسیار وقت پیش در فکر بت‌شکنی بودند.

بودا: وقتی حافظه‌ی تاریخی به‌گونه‌ای است که همان‌طور شما در پژوهش‌های دیگری روی این کار کرده‌اید که از شمردن و واقعیت‌ها هراس دارند، به‌نحوی فولکلورسازی می‌کنند و به‌نحوی افسانه‌سرایی می‌کنند در مورد همه‌چیز، وقتی فضای عمومی روایت در جامعه این است، ما چگونه می‌توانیم از این روایت و وضعیت شعرزدایی و افسانه‌زدایی کنیم؟ **کریمی:** در طول تاریخ بشر همین گرایش وجود داشته که وقتی ما درباره‌ی یک مسأله معلومات نداریم، سکوت نمی‌کنیم. بلکه درباره‌ی آن معلومات می‌سازیم. وقتی دیدند که مجسمه‌های عظیم در دل کوه ساخته شده و هیچ معلومات تاریخی درباره‌ی آن نداشتند، درباره‌اش قصه ساختند.

آگاهی تاریخی ما بیشتر از اسناد و معلومات تاریخی، وابسته به افسانه و فولکلور است. ولی در مورد بامیان اسناد تاریخی زیاد داریم. هم اسناد مکتوب و هم اسناد مادی مثل مجسمه‌های بودا و بقایای باستانی که از دوره‌های مختلف باقی مانده است.

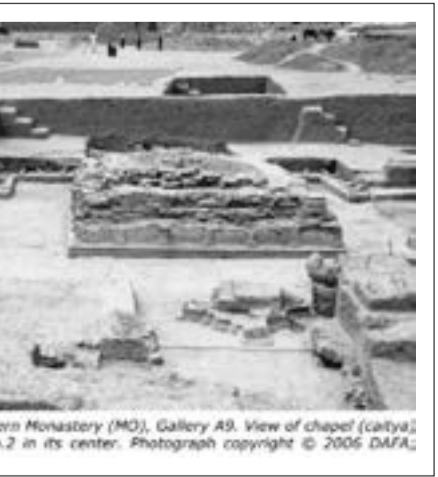
بودا: تاریخ تخریب بودا ده قرن سابقه دارد، از زمان آمدن اسلام در بامیان شروع شده. اگر بخواهیم از تاریخ افسانه‌زدایی کنیم، سوال را به این سمت ببریم که اصلا قصه چه بوده که این بت‌ها ساخته شده و چرا این مردم تصمیم گرفتند که به‌جای نوشتن کتاب یا تألیف متون دینی و سرودها، به تمدن بصری روی آوردند؟

کریمی: در پاسخ به این سوال، باید نگاهی

اشاره: برنامه‌ی فرهنگی شبی با بودا در سال‌های اخیر برای یادبود تخریب بودای بامیان برگزار می‌شود. امسال در ۲۳ حوت، در ذیل این برنامه و به مناسبت بیستمین سالروز تخریب مجسمه‌های بودای بامیان توسط گروه طالبان، اسد بودا، نویسنده و جامعه‌شناس فرهنگی با دکتر علی کریمی، پژوهشگر مطالعات ارتباطات در دانشگاه هومبولت برلین، رویدادی را که از آن به‌عنوان قتل فرهنگی یا فاجعه فرهنگی قرن نامیده می‌شود به‌صورت موشکافانه به بررسی گرفته است.

بودا: بیست سال از قتل‌عام فرهنگی بامیان می‌گذرد. با گذشت این بیست سال نه‌تنها عاملان این قتل‌عام فرهنگی در دادگاه‌های ملی و بین‌المللی محاکمه نشدند، بلکه دوباره به قدرت بازمی‌گردند. گذشته از دولت افغانستان که سالگرد تخریب بودا را با سکوت و بی‌توجهی برگزار می‌کند، در فضای اجتماعی نیز سکوت حکمفرما است و درباره‌ی این قتل‌عام فرهنگی صدا و ندایی وجود ندارد. یادآوری‌های که اگر هم انجام می‌گیرد، اغلب شاعرانه و از جنس نوحه و ناله‌اند. شاعرانه‌سازی از این فاجعه‌ی تاریخی دهشت‌زدایی می‌کند. البته چنین چیزی قابل درک است، برای مردمی که درگیر جنگ، کشتار، فقر و نابرابری است، تقریبا ناممکن است که فارغ از عزا و مصیبت، با نگاه بی‌طرفانه به وضعیت تاریخی بنگرند. مصیبت یک وضعیت تاریخی و اجتماعی است، شاعرانه‌سازی در چنین مواردی می‌تواند تسکین دردها و آلام باشد. ما به مناسبت بیستمین سالگرد تخریب بودای بامیان، در برنامه‌ی شبی با بودا گفت‌وگویی را با دکتر علی کریمی ترتیب داده‌ایم. موضوع این گفت‌وگو تخریب تاریخ است. در گفت‌وگوی امروز تلاش خواهیم کرد تا از رویکرد شاعرانه تا حدی فاصله بگیریم، به بامیان و بوداها از منظر تاریخی بپردازیم. سخنان کریمی سه محور اصلی دارد: چرا بوداهای بامیان ساخته شدند؟ چرا تخریب شدند؟ و چرا بازسازی نمی‌شوند؟

کریمی: تشکر از این‌که این برنامه را ترتیب دادید. در رابطه به این سه موضوع ممکن صحبت‌های من پراکنده باشد، چون متخصص این کار نیستم. در این باره متخصصان در دانشگاه‌های غربی وجود دارد. شاید بزرگ‌ترین متخصص تاریخ و باستان‌شناسی بامیان و بودیسم، استاد زمربالی طرزی باشد. چیزی‌های که امروز صحبت می‌کنم بیشتر نتیجه‌ی جست‌وجو و کنجکاوای شخصی خودم در آثار دیگر



View of chapel (caitya) in its center. Photograph copyright © 2006 DAFA.

آن‌ها از من دعوت کردند که همراه‌شان مناظره کنم. او می‌نویسد که در چندین جایی که رفتم، روحانیون مذاهب دیگر مرا به مناظره دعوت می‌کردند. یعنی یک نوع رواداری مذهبی همیشه وجود داشته است. اما در دوران اسلام سخت‌گیری مذهبی و تکفیر زیاد می‌شود. ولی پیش از آن ادیان بودیسم و زرتشتی میان خود خشونت نداشتند. بلکه کوشش می‌کردند که با همدیگر مناظره کنند.

بودند مصرف می‌کند، ولی روی آثار باستانی دوران غوری‌ها مثل منار جام، آثار باستانی هرات، مسجد نُه‌گنبد و آثار باستانی بامیان و غزنی هیچ توجه صورت نگرفته است. در واقع می‌خواهند گذشته را با نگاه گزینشی بازسازی کنند؛ بخشی از گذشته را می‌گذارند که فراموش شود و بخشی از آن را برجسته می‌سازند. پیش از دولت‌های پشتون هم در این‌جا تمدن و فرهنگ وجود داشته که آثاری از آن زمان‌ها باقی مانده است و نیاز به حفاظت و یادآوری دارد.

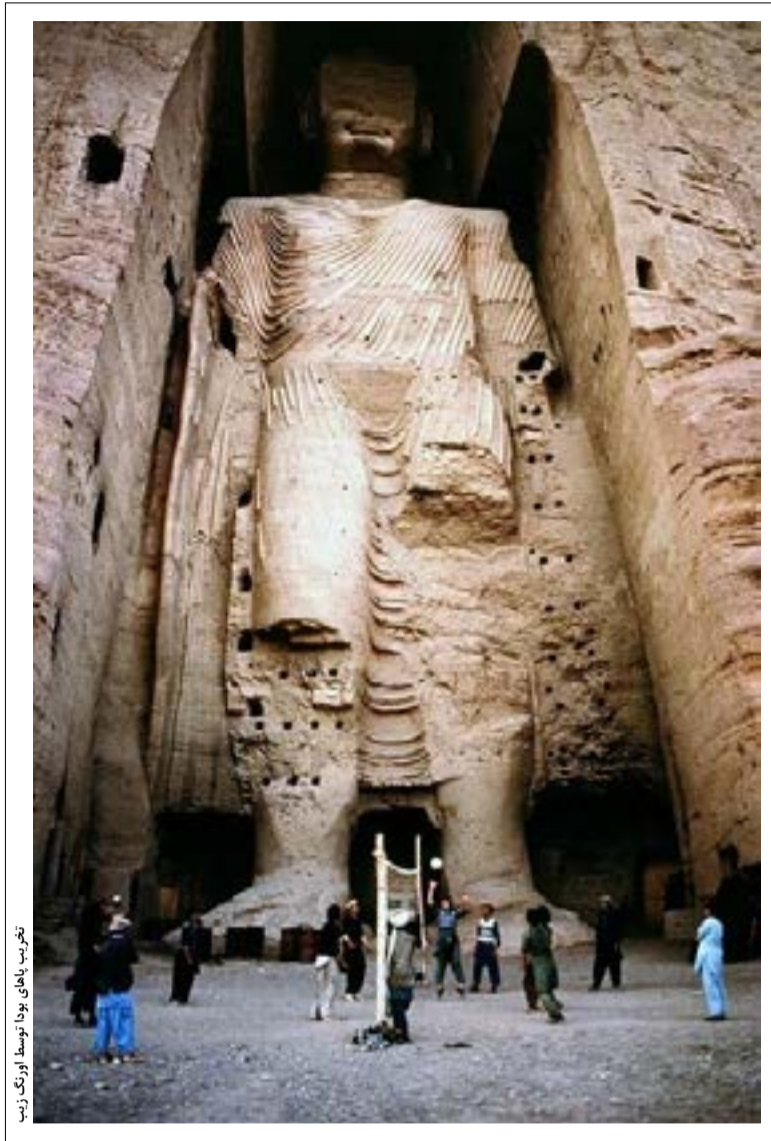
بودا: شما گفتید که پشتون‌ها از نظر تاریخی از حوزه هند آمده، در افغانستان جابجا شده و این آثار را بیگانه تصور می‌کنند. سوالي که خلق می‌شود این است که حوزه هند حوزه بردباری، فرهنگ و تمدن بودیسم است. چطور مردمی که از حوزه هند آمده، با همچون آثار تاریخی که مرکز انتشار آن هند بوده است، خود را بیگانه تلقی کنند؟

کریمی: هند همیشه سرزمین بردباری مذهبی بوده که تا امروز شاهد آن هستیم. پشتون‌ها هم چون از همین حوزه برخاستند، تجربه بردباری را داشتند. ولی در دوران مدرن آن را نمی‌بینیم. در دوران مدرن فرهنگ پشتون و اسلام سنی بسیار تندرو که بین پشتون‌ها وجود داشته، بردباری را از بین برده است. من یک زمان درباره‌ی مسیحیت در افغانستان تحقیق می‌کردم که نتیجه‌ی آن را مقاله‌ای با عنوان «مسیحیت در کابل» نوشتم. نکته‌ای را که متوجه شدم، در دوران مدرن مبلغان مسیحی از اروپا به این طرف می‌آمدند. مثلاً در ایران هر جا که مبلغان مسیحی می‌رفتند، مردم آن‌ها را با آغوش باز می‌پذیرفتند و به آن‌ها اجازه می‌دادند که مدرسه بسازند. هر جا که می‌رفتند مکتب، مدرسه یا شفاخانه می‌ساختند. ولی در افغانستان که می‌آمدند از ترس مجبور می‌شدند که لنگی بزنند و خود را به‌عنوان ملای مسلمان معرفی کنند. یعنی در دوران مدرن یک فرق بسیار کلان میان افغانستان و همسایه‌هایش وجود دارد که نشان می‌دهد بنیادگرایی مذهبی همیشه در این‌جا بوده است.

بودا: شما گفتید که انگیزه طالبان برای تخریب بودا ترکیبی از باورهای مذهبی و ناسیونالیسم قومی بود، و همین‌طور در دوران مدرن بازسازی‌ها هم تخریب‌گونه صورت گرفته که یک نوع دست‌کاری در خاطرات سیاسی شده و یا یک نوع مدیریت اطلاعات به گونه‌ی قومی صورت گرفته. آیا همان انگیزه‌های ناسیونالیستی و مذهبی که طالبان برای تخریب داشتند، در شرایط حاضر برای مقاومت در بازسازی مجسمه‌های بودا وجود دارد یا نه؟

کریمی: در افغانستان هیچ انگیزه‌ی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی برای بازسازی وجود ندارد. پैसे برای بازسازی مصرف می‌شود، ولی روی آثاری مثل دارالامان که هیچ ویژگی خاص فرهنگی ندارد، اما آثار باستانی دیگر را نساختند. بودای بامیان برجسته‌ترین نمود فرهنگی یک زمانه‌ی است دست‌برفته بود و می‌توانست که حضور دین بودایی و آگاهی تاریخی در مورد دین بودایی را زنده نگهدارد. درحالی‌که تخریب این مجسمه‌ها در واقع تلاش برای تخریب تاریخ بودیسم در افغانستان و تاریخ یک برهه‌ی بسیار طلایی این قلمرو فرهنگی است.

بازسازی بودای بامیان بارز است. شاید امروز مردم زیاد اهمیت ندهند و بگویند که این بودای اصلی نیست. ولی سال‌ها بعد ارزش تاریخی خود را بازمی‌یابد. مثل وقتی کلیسای نوتردام در پاریس سوخت، در مقاله‌ای خواندم که این کلیسا از دوران قرون وسطا نیست، پای‌سنگش از دوران قرون وسطا است، ولی در دوران‌های مختلف چندین بار خراب شده و دوباره بازسازی شده است. ولی ما آن را فراموش می‌کنیم و فکر می‌کنیم که نوتردام با همین شکل از دوران قرون وسطا باقی مانده است. حالا اگر بودای بامیان بازسازی شود، شاید تا ۱۰ یا ۲۰ سال اهمیت تاریخی نداشته باشد، ولی ۵۰ یا ۱۰۰ سال آینده کم‌کم اهمیت تاریخی خود را بازمی‌یابد.



تخریب بافتاری بودا توسط اورنگ‌زیب

مدرن بود که اروپایی‌ها شروع به ساختن موزیم و آرشیف کردند و آثار باستانی را احیا کردند. ایده موزیم‌سازی مربوط به قرن ۱۸ است. این آگاهی تاریخی و بازسازی گذشته یک احساس مدرن است. طالبان براساس همین انگیزه‌ی مدرن برای تخریب تاریخ و محو آثار مادی دین بودایی در افغانستان کوشش کردند. انگیزه طالبان برای تخریب بودا دو چیز بود: ناسیونالیسم قومی و بنیادگرایی مذهبی.

می‌خواهم یک نکته درباره‌ی مواجهه ما با آثار باستانی و میراث فرهنگی بیان کنم. دلیل اصلی اینکه موزیم کابل چور شده و آثار باستانی در ولایت‌های مختلف خراب شده، این است که ما با این آثار تاریخی احساس ارتباط نمی‌کنیم. برای ما بیگانه است و فکر می‌کنیم که از ما نیست. وقتی تو یک آثار باستانی را زدی می‌کنی به این معنا است که از تو نیست. کسی ملکیت خودش را خراب یا زدنی نمی‌کند. طالبان و حاکمان پیش‌تر از آن‌ها، از احمدشاه ابدالی به این طرف همیشه با فرهنگ بلخ، هرات، بامیان و در مجموع فرهنگ خراسان یک نوع بیگانگی داشته‌اند. پشتون‌ها از شمال هند هستند و به فرهنگ این مناطق نگاه خصمانه داشته‌اند. مثلاً در ترکستان امکان مختلف نام‌های‌شان تغییر یافت و از فارسی به پشتو تبدیل شد. و یا هم انجمن تاریخ مثل عبدالحی حبیبی و دیگران روایت‌های دروغ ناسیونالیستی ساختند.

حوزه تاریخ را چنان از ابهام و اغتشاش پر کرده‌اند که نمی‌دانیم کدام روایت راست و کدام دروغ است. چون کوشیده‌اند تا سلطه پشتون‌ها در افغانستان را یک سلطه تاریخی چندهزارساله بسازند. درحالی‌که تاریخ واضح است که پشتون‌ها از قرن ۱۶ به این طرف از هند آمدند و به سبب ضعف دولت مغولی و صفوی توانستند مناطقی را در جنوب افغانستان بگیرند. امروز به‌جای این‌که تاریخ قدیمی فارسی، ترکی، بودایی و زرتشتی افغانستان را حفظ کنند و رونق ببخشند، کوشش می‌کنند که آن را تخریب یا پشتونیزه کنند. در هر دو صورت جفا به تاریخ و فرهنگ این منطقه است.

دید انحرافی‌آمیز به گذشته و میراث تاریخی تاکنون وجود دارد. یعنی در دوران اشرف غنی می‌بینیم که بودجه بسیار کلان را برای بازسازی قصر دارالامان، قصرهای عصر سراجیه، آثار تاریخی که عبدالرحمان خان، حبیب‌الله خان و امان‌الله خان ساخته

۱۷ میلادی. او یک نظامی برجسته و در عین حال بسیار خشکه‌مقدس بود. در هند که تاریخ چندهزارساله‌ی مدارای مذهبی داشت، اورنگ زیب اسلام و شریعت را در بازار و محاکم با زور سر مردم تطبیق کرد. یکی از کارهای دیگر او نوآوری‌های نظامی بود که یکی از آن نوآوری‌های نظامی ساختن توپ‌های کلان بود که دیوارهای شهر را خراب می‌کرد. از جمله یک توپ ساخت و به بامیان روان کرد تا توپ را روی بودای بامیان تست کند. پاهای بودای بامیان را با توپ می‌زدند که هم بودا را خراب کنند و هم قدرت توپ را نشان بدهند. اما نتوانستند بودا را خراب کنند، ولی پاهایش را خراب کردند. بعد از آن در قرن ۱۸ میلادی نادر افشار آمد و تلاش خود را کرد که بودا را خراب کند، ولی زیاد خراب نتوانست. یک جای نوشته شده که عبدالرحمان خان هم تلاش کرد که بودا را خراب کند، ولی نمی‌دانم چقدر درست است.

آخرین بار طالبان خراب کردند. طالبان در سال ۱۹۹۹م، شروع به تخریب بودا کردند. ولی در سال ۲۰۰۱م، با جاگذاری باروت و بمب‌های مختلف خراب کردند تا توجه دنیا را به خود جلب کنند. یکی از نکاتی را که مایکل سمبل، نماینده ملل متحد و متخصص افغانستان در یک مقاله می‌نویسد، دنیا و به‌خصوص کشورهای غربی می‌توانستند جلو تخریب بودا را بگیرند، ولی انگیزه‌ی آن را نداشتند و نمی‌خواستند از نگاه سیاسی هزینه کنند و روی طالبان فشار بیاورند. بعضی از کشورها مثل چین، جاپان و کوریا تلاش کردند پول بدهند، ولی طالبان بیشتر سر هیجان آمدند تا بودا را خراب کنند.

بودا: با ظهور اسلام یک نوع انگیزه‌ی تخریب بودای بامیان پیدا شد و البته این انگیزه تخریب خاص بودا نبود، در اصل یک نوع انگیزه‌ی یکسان‌سازی و کشتن فرهنگ رواداری در منطقه بود. اگر ما منشأ تخریب را ظهور اسلام در منطقه تصور کنیم، آیا بین انگیزه طالبان برای تخریب و انگیزه‌های تاریخی که پیش از آن وجود داشته، همسانی وجود دارد یا تفاوت؟

کریمی: من فکر می‌کنم که انگیزه طالبان با انگیزه صفاریان، اورنگ زیب، نادر افشار و غزنویان فرق می‌کند. به خاطر آنکه وجدان تاریخی یا آگاهی تاریخی که امروز وجود دارد، یک چیز مدرن است. در عصر

وقتی پول کاغذی چاپ کردند، روی آن به زبان چینی و فارسی نوشتند. نشان می‌دهد که بعد از چنگیز خان، مغول‌ها تلاش کردند چندفرهنگی را زنده کنند. مثل امروز نبودند که در افغانستان پول تنها به زبان پشتو است که هیچکس آن را خوانده نمی‌تواند به جز پشتون‌ها. یعنی می‌خواهند بگویند که ما زور داریم و همه چیز را تبدیل به پشتو کرده‌ایم.

خیلی دیر به اسلام گروید، کابل بود. در دوران ظهور اسلام در این مناطق بردباری مذهبی کمتر می‌شود. پس از آن مغول‌ها وقتی به بامیان می‌رسند بسیار جنگ و تخریب می‌کنند. صدمه‌ی کلان به ساخت فیزیکی شهر بامیان می‌زنند. اما نوادگان چنگیز خان پس از او همان بردباری مذهبی را دوباره از نو می‌سازند. به‌عنوان مثال، مغول‌ها یک نوع پاسپورت داشتند که مأموران‌شان هر جا می‌رفتند آن را با خود داشتند. آن پاسپورت به سه زبان نوشته بود: زبان ایغوری، زبان مغولی و زبان فارسی. پس از آن در زمان ایلخانی‌ها برای اولین بار پول کاغذی را در شیراز یا اصفهان رایج کردند. وقتی پول کاغذی چاپ کردند، روی آن به زبان چینی و فارسی نوشتند. نشان می‌دهد که بعد از چنگیز خان، مغول‌ها تلاش کردند چندفرهنگی را زنده کنند. مثل امروز نبودند که در افغانستان پول تنها به زبان پشتو است که هیچکس آن را خوانده نمی‌تواند به جز پشتون‌ها. یعنی می‌خواهند بگویند که ما زور داریم و همه چیز را تبدیل به پشتو کرده‌ایم. این اقدامات یک نوع دید ناسیونالیستی پشتونی را در حکومت‌های افغانستان نشان می‌دهد. ولی مغول‌ها این‌گونه نبودند. مثلاً هر چیز را به چند زبان می‌نوشتند. مسأله دیگر بت‌شکنی است. بودای بامیان را حاکمان مختلف در طول تاریخ تلاش کردند تخریب کنند. یکی از کارهایی که کردند صورت بودا را از بین بردند، چون در اسلام کشیدن چهره ممنوع و حرام است. ما نمی‌دانیم که اولین بار چهره بودای بامیان را چه کسی خراب کرده، چون هر کسی بوده بسیار سیستماتیک تراشیده است.

بودا: البته گفته می‌شود که چهره بودای بامیان از نظر ساختار هنری طلا بوده، در زمان لیث صفاری که وارد بامیان شده، آن طلا را کنده و به بغداد فرستاده.

کریمی: ممکن ظاهرش طلا بوده، ولی روی بودا را کامل کنده است. نظر من این است که این کار بیشتر زایدی‌دهی فرهنگی است که سر را در نقاشی و آثار تجسمی و بصری می‌زنند. در تاریخ بصری و هنر اسلامی مخالفت با سر وجود داشته و سرهای مختلف را از نقاشی، مجسمه تا معماری جدا می‌کردند. احساس من هم این است که سر بودای بامیان را که این قدر صاف کنده‌اند، یک تصمیم برنامه‌ریزی شده بوده که مثلاً شاید چند ملا تصمیم گرفته‌اند که چون خود این بودا را خراب کرده نمی‌توانیم، یا اصلاً خراب نکنیم، ولی سر آن را باید بترسیم.

تخریب بودا در چند مرحله صورت گرفته: یک بار در قرن ۹ میلادی در دوران صفاریان خراب شده که البته در آن زمان توپ و تفنگ نداشتند، وگرنه در همان زمان خراب می‌کردند. بعد از آن اورنگ زیب، پادشاه مغولی هند در قرن

که زمربالی طرزی یافته، در زمان صفاری‌ها تخریب شده است. مجسمه‌های این صومعه را صفاریان به‌عنوان تحفه به خلیفه بغداد می‌فرستند. صفاری‌ها یک سلسله غیرعرب از منطقه سیستان یا فراه امروزی بودند که پایتخت‌شان در زرنج ولایت نیمروز بود. وقتی مسلمانان به بامیان می‌رسند، حاکمان بامیان یک قوم به نام شار یا شیر بودند. عرب‌ها کوشش نکردند که شارها را مسلمان کنند. چون می‌خواستند این‌ها غیرمسلمان باقی بمانند تا جزیه پرداخت کنند. اینجا یک انگیزه اقتصادی وجود داشته تا بودایی‌ها همچنان به دین خود باقی بمانند.

قوم شار بعدها مسلمان می‌شوند. بعضی از این‌ها را به بغداد می‌طلبند و خلیفه به آن‌ها مقام و درجه می‌دهد. بامیان در زمان غزنویان در قرن ۱۰ میلادی کاملاً مسلمان می‌شود. جنبه بت‌شکنی غزنویان قوی بوده، این‌ها کسانی بودند که دین اسلام را به زور شمشیر به هند بردند.

قدیمی‌ترین نسخه‌های خط فارسی نیز از بامیان به دست آمده است. یکی از قدیمی‌ترین نسخه‌های فارسی که نزدیک به هزار سال قدمت دارد، یک سند ازدواج و زمین است که یک مرد به‌عنوان قرارداد ازدواج یک زمین را به زن خود می‌دهد و به زبان فارسی سوچه می‌نویسد که آن سند هنوز موجود است. این سند چند چیز را نشان می‌دهد: اول ظهور زبان فارسی در این مناطق که ممکن از بسیار قدیم وجود داشته و دوم این‌که حق مالکیت زن، چیزی‌که در کشورهای اسلامی هنوز یک سوال است، آیا زن اجازه دارد مالکیت داشته باشد یا نه؟ اما در آن زمان در بامیان زن اجازه داشته که زمین داشته باشد. اسناد دیگر مربوط به معامله تجار مسلمان و یهودی است که در یک غار در بامیان پیدا شده که به زبان‌های مختلف مثل عبری و فارسی است. چیزی که برای من جالب بود این‌که آثار زبان فارسی در بامیان پیدا شده، منطقه‌ی که تا چند قرن قبل بودایی و زبان آن سانسکریت بوده، اولین آثار فارسی نیز از آن‌جا پیدا می‌شود. از این آثار معلومات زیاد در مورد فرهنگ، اقتصاد و سیاست در بامیان به‌دست می‌آید، ولی ما کم می‌دانیم.

بودا: اگر بخواهیم یک خط داستانی برای گفت‌وگو پیدا کنیم، این‌که بودیسم اول در بلخ آمده و معبد نوبهار زودتر از بامیان ساخته شده و یا نظام سیاسی در آن‌جا قدرتمندتر بوده، بعد مسلمان‌ها وارد بلخ شده و معبد نوبهار را در زمان اموی‌ها پایگاه نظامی ساختند، یعنی بزرگ‌ترین پایگاه نظامی مسلمان‌ها در آن زمان در بلخ بود. آیا این امکان وجود دارد که بگوییم بامیان مرکز تلاقی فرهنگ‌های زیاد مثل فارسی، یونانی، بودیسم، چینی و غیره بوده؟ آیا می‌شود تخریب را این‌گونه تبارشناسی کنیم که بعد از این‌که اسلام وارد منطقه شده، انگیزه همسان‌سازی در منطقه زیاد، بردباری مذهبی و تنوع فرهنگی کمتر شده که در نهایت ایده تخریب ایجاد شده؟

کریمی: همین‌که امروز ما دین بودایی در افغانستان نداریم، خودش عدم بردباری مذهبی را نشان می‌دهد. حالا هندوها نیز در افغانستان کم مانده‌اند. درحالی‌که ما فکر می‌کنیم هندوها از هند آمده، ولی این‌ها مردمان بومی این منطقه‌اند که به‌خاطر سرسختی و پابندی به مذهب‌شان، به اسلام نگرویده‌اند. یکی از مناطقی که



بقای صومعه‌های بامیان (تکثیر زهرنگالی طرزی)

Fig. 11. Bamiyan East from E with Stupa no

Fig. 17. Bamiyan Eastern Monastery (MO), clay votive Stupa No. 5, located W of Stupa no. 2. Photograph copyright © 2006 DAFA; Zemyayal Tarzi.

مقام امنیتی ایرانی:

دیپلماسی غیرمستقیم بین ایران و امریکا در جریان نیست



تحریم‌ها را بردارد و اگر تحریم‌ها برداشته نشوند، ایران اقدامات بیشتری را در آینده نزدیک اتخاذ خواهد کرد که فراتر از تعهدات تهران ذیل توافق هسته‌ای است».

علاوه بر بحث دیپلماسی غیرمستقیم، دولت جو بایدن پیش از این به پیشنهاد اتحادیه اروپا برای حضور در نشست با نمایندگان ایران اعلام آمادگی کرده بود.

با این حال ایران رسماً اعلام کرد که در این اجلاس شرکت نمی‌کند، چون به گفته مقام‌های حکومت ایران برداشتن تحریم‌ها نیازی به مذاکره ندارد.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری سابق امریکا که از منتقدان توافق هسته‌ای با ایران بود، در اردیبهشت ۹۷ خروج ایالات متحده از این توافق هسته‌ای را اعلام کرد.

دولت او در چارچوب راهبرد «فشار حداکثری» برای وادار کردن ایران به حضور در مذاکره برای یک توافق فراگیر، تحریم‌های گسترده و شدیدی علیه ایران وضع کرد.

ایران نیز در واکنش به این اقدام امریکا عدول از تعهدات هسته‌ای خود را از سال ۱۳۹۸ آغاز کرد و در ماه‌های اخیر عدول از تعهدات خود در چارچوب توافق برجام را تشدید کرده است.

در حال حاضر، علیرغم اعلام آمادگی ایران و امریکا برای احیای برجام، چگونگی این روند به یک بن‌بست تبدیل شده است. ایران می‌گوید تنها در صورت لغو همه تحریم‌هایی که در دوره ترامپ اعمال شده، به اجرای تعهدات خود طبق برجام باز می‌گردد و امریکا می‌گوید تنها در صورتی که ایران به اجرای تعهدات خود بازگردد، اقدام به لغو تحریم‌ها می‌کند.

هیات دولت گفت: «برای بازگشت به تعهدات کل در برابر کل یا جزء در برابر جزء هم آماده‌ایم» و ساعاتی بعد شبکه

پرس تی‌وی به نقل از یک «مقام امنیتی» نوشت که «ایران» با پیشنهاد بازگشت گام‌به‌گام به توافق هسته‌ای مخالف است و «تهران تنها در صورتی به تعهدات برجامی خود کامل باز خواهد گشت که تحریم‌ها به‌صورت مؤثری برداشته شوند».

این مقام تأکید کرده بود که «تنها راه بازگشت ایران به تعهدات برجامی خود این است که واشینگتن تمامی

را بشنویم».

این دومین بار است که شبکه پرس تی‌وی به نقل از مقام‌های امنیتی ایران، اخباری درباره رویکرد جمهوری اسلامی درباره برجام منتشر می‌کند.

روز ۲۰ حوت، پس از آن که رئیس‌جمهوری ایران برای بازگشت «جزء» در برابر جزء» به تعهدات برجامی از سوی تهران اعلام آمادگی کرد، شبکه پرس تی‌وی به نقل از یک مقام امنیتی گزارشی در مخالفت با این نظر اعلام کرد.

حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران روز ۲۰ حوت در جلسه

اطلاعات روز: یک منبع امنیتی ایرانی، اظهارات اخیر جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی کاخ سفید در مورد در جریان بودن «دیپلماسی غیرمستقیم» بین ایران و ایالات متحده درباره بازگشت واشینگتن به توافق هسته‌ای برجام را رد کرده است.

به نقل از رادیو فردا، این منبع امنیتی که نام او اعلام نشده است، روز سه‌شنبه، ۲۶ حوت به پرس تی‌وی گفته است اظهارات مقامات آمریکایی درباره مذاکرات غیرمستقیم با ایران، «تنها به منظور خارج کردن رییس‌جمهور جو بایدن از بحران» بیان شده است.

این منبع که پرس تی‌وی، او را «نزدیک به شورای عالی امنیت ملی» معرفی کرده، توضیح بیشتری درباره «بحران» رئیس‌جمهور امریکا نداده ولی تأکید کرده است که «تا لغو کامل تحریم‌ها هیچ گفت‌وگویی بین تهران و واشینگتن انجام نخواهد شد».

جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی کاخ سفید روز جمعه ۲۲ حوت گفته بود ایالات متحده دیپلماسی غیر مستقیم با ایران را از طریق کانال اروپایی‌ها و از کانال‌های دیگر برای احیای توافق هسته‌ای موسوم به برجام آغاز کرده است.

وی در گفت‌وگو با خبرنگاران افزوده بود که دیپلماسی در قبال ایران در جریان است، (البته) فعلاً نه به صورت مستقیم.

به گفته مشاور امنیت ملی کاخ سفید، «ارتباطاتی از طریق اروپایی‌ها و از طریق دیگران وجود دارد که ما را قادر می‌سازد برای ایرانیان توضیح دهیم که در مورد پایبندی در برابر پایبندی چه موضعی داریم و می‌توانیم موضع آنها

خواهر رهبر کوریای شمالی از دولت بایدن خواست که برای خود «دردسر نتراشد»

دو کشور بر سر توسعه برنامه موشکی و هسته‌ای با یکدیگر اختلاف دارند.

سه دور دیدار میان دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری پیشین امریکا با کیم جونگ اون، رهبر کوریای شمالی دستاورد چندانی نداشت و پیونگ یانگ با خلع سلاح هسته‌ای موافقت نکرد.

جو بایدن از کیم جونگ اون به عنوان «تبهکار» نام برده و بر خلع سلاح هسته‌ای کوریای شمالی پیش از لغو تحریم‌های امریکا و سازمان ملل متحد تأکید کرده است.

است اما پیونگ یانگ به این تماس‌ها پاسخی نداده است.

کیم جونگ اون، رهبر کوریای شمالی، هنوز ریاست‌جمهوری جو بایدن را به رسمیت نشناخته است. کیم یو جونگ، خواهر پرنفوذ رهبر کوریای شمالی که سخنان او را روزنامه دولتی رادونگ سینمون منتشر کرده گفته: «یک توصیه برای دولت جدید امریکا دارم

که در تلاش است از آن سوی اقیانوس بوی باروت روی کشور ما بپراکند... اگر می‌خواهید چهار سال آینده را به خوشی و در صلح سپری کنید، بهتر این است که در گام اول، به دنبال دردسر تراشی نروید».

کوریای شمالی از تمرین مشترک نظامی امریکا و کره و جنوبی انتقاد کرده است.

خواهر رهبر کوریای شمالی این رزمایش را «مارش جنگ» توصیف کرده است.

قرار است گروهی از مقام‌های ارشد امریکایی روز سه‌شنبه، ۱۶ مارچ، به سئول، پایتخت کوریای جنوبی بروند و همزمان وزارت خارجه از رویکرد جدید خود در برابر بحران شبه جزیره کره پرده برداری کند.

وزارت خارجه امریکا می‌گوید چند هفته‌ای است که به دنبال برقراری کانال‌های دیپلماتیک با کوریای شمالی

اطلاعات روز: در حالی که دولت امریکا قرار است به

زودی سیاست خود در قبال کوریای شمالی را اعلام کند، کیم یونگ اون، خواهر پرنفوذ کیم جونگ اون، رهبر کوریای شمالی در سخنانی به امریکا هشدار داده است که به دنبال «دردسرسازی» نرود.

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، سخنان خانم کیم تنها یک روز پیش از آن عنوان شده که قرار است دولت جدید امریکا سیاست‌های خود درباره شبه جزیره کره عنوان کند.

اکنون کیم یونگ اون در اظهاراتش در رسانه‌های دولتی

اسلامگرایان افراطی شمال موزامبیک «کودکان ۱۱ ساله را هم گردن می‌زنند»

هم در در استانی ثروتمند و سرشار از منابع گاز.

برخی از افراد در تلاش برای فرار از منطقه با قایق‌هایی که بیش از حد ظرفیت مسافر داشتند، جانشان را از دست دادند.

شبه‌نظامیان اسلامگرای شمال موزامبیک با داعش در ارتباط هستند.

گروه نجات کودکان می‌گوید خانواده‌های آوارگان صحنه‌های وحشتناکی از شدت خشونت در این مناطق روایت می‌کنند.

السا مادر چند فرزند می‌گوید شبی روستای آنها مورد حمله قرار گرفت و خانه‌هایشان را سوزاندند.

او می‌گوید «وقتی درگیری آغاز شد، من با چهار فرزندم در خانه بودیم. سعی کردیم به جنگل فرار کنیم اما پسر بزرگم

اطلاعات روز: گروه امدادرسان بین‌المللی «نجات کودکان»

می‌گوید شبه‌نظامیان اسلامگرا در استان کابو دلگادو در شمال موزامبیک کودکان یازده ساله را گردن می‌زنند.

به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، یک زن به گروه «نجات کودکان» گفت مجبور بود عاجزانه ببیند که پسر دوازده ساله اش کشته می‌شود، آن هم در جایی نزدیک همان سرپناهی که او با دیگر بچه هایش مخفی شده بود.

قطع سرها آخرین مورد از حملات وحشتناکی است که شبه‌نظامیان از سال ۲۰۱۷ در استان کابو دلگادو در موزامبیک انجام داده‌اند.

در درگیری‌های این استان که عمدتاً مسلمان‌نشین است، بیش از ۲۵۰۰ نفر کشته و حدود ۷۰۰ هزار نفر نیز آواره شده‌اند. به ناچار خانه‌های خود را ترک کرده می‌کنند، آن

«اعلان داوطلبی»

دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت صحت عامه
ریاست عمومی طب معالجوی
ریاست شفاخانه‌ی تخصصی و ثالثی
ریاست شفاخانه رابعه بلخی
مدیریت عمومی اداری
مدیریت تدارکات

تهیه و تدارک ۶ قلم حبوبات:

ریفرنس نمبر (MOPH/ RBH/1400/NCB/G007)

{ریاست شفاخانه رابعه بلخی} از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می‌نماید تا در پروسه داوطلبی (تهیه و تدارک ۶ قلم حبوبات) تحت ریفرنس فوق اشتراک نموده و نقل سافت شرطنامه مربوطه را طور رایگان در فلش از مدیریت تدارکات این اداره بدست آورده، آفرهای خویش را مطابق شرطنامه طور سربسته، از تاریخ نشر اعلان الی ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر تاریخ ۱۸ حمل ۱۴۰۰ به این اداره تسلیم نمایند. آفرهای ناوقت رسیده و اینترنتی قابل پذیرش نمی‌باشد. تضمین آفر مطابق طرزالعمل {تضمین بانکی به مبلغ ۸۰۰۰۰ افغانی} بوده و جلسه آفرگشایی به وقت ذکر شده در اتاق میتینگ بلاک B منزل دوم تودیر می‌گردد.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

گزارش‌گران و خبرنگاران: ابودرملک نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی

مترجم: جلیل پژواک

ویراستار: شیر مهربار

صفحه آرا: رضا مظفری

ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷

آدرس: کابل، کارته‌سه



د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
دولت جمهوري اسلامي افغانستان
د کورنۍ، اوبو لگولو او مالدارۍ وزارت
وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ
معينيت مالي و اداري
رياست تهيه و تداركات
بخش پروژه هاي بانک جهاني



پروژه اضطراري زراعتي و مصنويت غذايي
پروجکت نمبر P174748

گرنټ نمبر: TFOB3535/IDA Grant No. D7120/AF

اسم پروژه: پروژه شبکه آبياري شاديبار سفله واقع در قريه شاديبار سفله و شبکه آبياري شاديبار وليا واقع در قريه وليا ولسوالي انجيل ولايت هرات

اطلاعيه تصميم اعطاي قرارداد

بدینوسیله به تاسی از حکم شماره ۵.۷۸ طرز العمل تدارکات بانک جهانی و شرطنامه معیاری بانک جهانی قسمت اطلاعاتیه تصمیم اعطای قرارداد به اطلاع عموم رسانیده می‌شود، که ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري در نظر دارد، قرارداد پروژه شبکه آبیاری شاديبار سفله واقع در قريه شاديبار سفله و شبکه آبياري شاديبار وليا واقع در قريه وليا ولسوالي انجيل ولايت هرات، تحت شماره تشخيصه -AF/MAIL/ EATS-206364/H098/H096- CW-RFB را به شرکت ساختمانی کریستال افغان دارنده جواز نمبر D-71225-71 آدرس شرکت خوشحال خان کوچه مسجد امام اعظم رح، مرکز کابل به قیمت مجموعی مبلغ ۲۹,۱۷۳,۴۸۶.۹۰ (بیست و نه میلیون و یکصد و هفتاد و سه هزار و چهارصد و هشتاد و شش اعشاریه نود افغانی) اعطاء نماید. اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، می‌توانند درخواست خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی ده (۱۰) روز کاری طور کتبی توأم با دلایل آن به ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري وفق احکام شماره ۵.۷۸ طرز العمل تدارکات بانک جهانی ارائه نمایند. این اطلاعاتیه به معنی عقد قرارداد نبوده و الی تکمیل میعاد فوق‌الذکر و طی مراحل قانونی بعدی، قرارداد منعقد نخواهد شد.

Notification of Intention to Award

Employer: Ministry of Agriculture, Irrigation and Live Stock (MAIL)

Project: Emergency Agriculture & Food Supply (EATS) Project

Contract title: Improvement Works of Shadibar e Olya Irrigation Scheme Located at Shadibar e Olya Village and Shadibar e Sofla Irrigation Scheme Located at Shadibar e Sofla Village in Enjil District of Herat Province.

Country: Islamic Republic of Afghanistan

Loan No./Credit No./Grant No.: TFOB3535/IDA Grant No. D7120/AF

RFB No: AF/MAIL/ EATS-206364/H098/H096-CW-RFB

This Notification of Intention to Award (Notification) notifies you of our decision to award the above contract. The transmission of this Notification begins the Standstill Period. During the Standstill Period you may:

- Request a debriefing in relation to the evaluation of your Bid, and/or
- Submit a Procurement-related Complaint in relation to the decision to award the contract.

1. The successful Bidder

Name: Crystal Afghan Construction Company
Address: Khosh hal Khan, Street of Masjede Emam Azam, Kabul, Afghanistan
Contract price: 29,173,486.90 Afghani

2. Other Bidders:

Name of Bidder	Bid price	Evaluated Bid price (if applicable)
Khudai Noor Barak CC	29,291,300.85	29,291,300.85
Bakhtar Pairoz CC	29,990,044.10	29,990,044.10
Idrees Obaid CC	30,593,258.20	30,593,258.20
Kavoshgaran R and CC	31,261,973.00	31,291,942.50
Tawsea Wa Takamol C & RB Co	32,971,404.45	33,331,404.45
National Gold CC	37,643,068.25	37,643,068.25
New United CC	46,431,462.83	46,431,376.00

3. Reason/s why your Bid was unsuccessful

The main reason for the non-responsive bidders are:

A) High Price

4. How to request a debriefing?

DEADLINE: The deadline to request a debriefing expires at midnight on 30-March-2021 at 12:00 AM local time.

You may request a debriefing in relation to the results of the evaluation of your Bid. If you decide to request a debriefing your written request must be made within three (3) Business Days of receipt of this Notification of Intention to Award.

Provide the contract name, reference number, name of the Bidder, contact details; and address the request for debriefing as follows:

Attention: [Mohammadullah Sahil]

Title/position: [Procurement Director]

Agency: [Ministry of Agriculture, Irrigation and Live Stock]

Email address: mohammadullah.sahil@mail.gov.af

If your request for a debriefing is received within the 3 Business Days deadline, we will provide the debriefing within five (5) Business Days of receipt of your request. If we are unable to provide the debriefing within this period, the Standstill Period shall be extended by five (5) Business Days after the date that the debriefing is provided. If this happens, we will notify you and confirm the date that the extended Standstill Period will end.

The debriefing may be in writing, by phone, video conference call or in person. We shall promptly advise you in writing how the debriefing will take place and confirm the date and time.

If the deadline to request a debriefing has expired, you may still request a debriefing. In this case, we will provide the debriefing as soon as practicable, and normally no later than fifteen (15) Business Days from the date of publication of the Contract Award Notice.

5. How to make a complaint?

Period: Procurement-related Complaint challenging the decision to award shall be submitted by midnight, [30-Mar-2021] (12:00 AM).

Provide the contract name, reference number, name of the Bidder, contact details; and address the Procurement-related Complaint as follows:

Attention: [Mohammadullah Sahil]

Title/position: [Procurement Director]

Agency: [Ministry of Agriculture, Irrigation and Live Stock]

Email address: [mohammadullah.sahil@mail.gov.af]

At this point in the procurement process, you may submit a Procurement-related Complaint challenging the decision to award the contract. You do not need to have requested, or received, a debriefing before making this complaint. Your complaint must be submitted within the Standstill Period and received by us before the Standstill Period ends.

Further information:

For more information see the Procurement Regulations for IPF Borrowers (Procurement Regulations) [https://policies.worldbank.org/sites/ppf3/PPFDocuments/Forms/DispPage.aspx?docid=4005] (Annex III). You should read these provisions before preparing and submitting your complaint. In addition, the World Bank's Guidance "How to make a Procurement-related Complaint" [http://www.worldbank.org/en/projects-operations/products-and-services/brief/procurement-new-framework#framework] provides a useful explanation of the process, as well as a sample letter of complaint.

In summary, there are four essential requirements:

You must be an 'interested party'. In this case, that means a Bidder who submitted a Bid in this bidding process and is the recipient of a Notification of Intention to Award.

The complaint can only challenge the decision to award the contract.

You must submit the complaint within the period stated above.

You must include, in your complaint, all the information required by the Procurement Regulations (as described in Annex III).

6. Standstill Period

DEADLINE: The Standstill Period is due to end at midnight on 30-Mar-2021 at 12:00AM (local time).

The Standstill Period lasts ten (10) Business Days after the date of transmission of this Notification of Intention to Award.

The Standstill Period may be extended as stated in Section 4 above.



فاطمه فرامرز

با توجه به نقش مخرب رسانه‌ها در درگیری‌های مسلحانه، به‌صورت مشخص در رواندا و یوگوسلاوی سابق، سازمان‌های بین‌المللی و غیردولتی به این نتیجه رسیده‌اند که رسانه‌های آزاد و مستقل نقش حیاتی در تقویت دموکراسی و صلح دارند و علاقه به نقش رسانه‌ها و تأثیر آن در ایجاد صلح در حال افزایش است. در این زمینه، دولت‌های زیادی کار می‌کنند تا مشخص کنند که رسانه‌ها چگونه می‌توانند به یک موضوع اصلی در تلاش‌های خود برای ایجاد صلح تبدیل شوند. جنایات بالکان و آفریقا در دهه ۱۹۹۰ اجماع فزاینده‌ای را تشویق کرده است که جلوگیری از سخنان نفرت‌انگیز، پاک‌سازی قومی و اقدامات نسل‌کشی توجیهی برای مداخله خارجی است. با این حال پرسش‌های حقوقی پیرامون مداخله بشردوستانه بین‌المللی با قدرت اجباری همچنان یک موضوع پیچیده و بسیار بحث‌شده است.

در مقابل، برای مداخله رسانه‌های توجیه معمولاً پذیرفته‌شده «تحقق ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر» است. در این ماده آمده است: «هر انسانی محق به آزادی عقیده و بیان است؛ این حق شامل آزادی داشتن باور و عقیده‌های بدون نگرانی از مداخله و مزاحمت، و حق جست‌وجو، دریافت و انتشار اطلاعات و افکار از طریق هر رسانه‌ای بدون ملاحظات مرزی است.» اگرچه این ماده عمدتاً به‌عنوان حقوق روزنامه‌نگاران یا سردبیران در کشورهای شناخته می‌شود که آزادی آن‌ها محدود شده است، با این حال، به‌عنوان حق «دریافت‌کنندگان اطلاعات» نیز خوانده می‌شود.

حق دریافت‌کنندگان اطلاعات تنها در مورد بحران‌های بشردوستانه اعمال نمی‌شود، همان‌قدر که برای جمعیت آسیب‌دیده به غذا، آب یا سرپناه ضرورت احساس می‌شود، در بعضی جوامع به اطلاعات مربوط به محیط و زیرساخت‌های رسانه‌ای نیز ضرورت احساس می‌شود.

به همین منوال، کمک‌های رسانه‌ای در همکاری‌های توسعه براساس قراردادهای بین دولتی است. بسیاری از تمویل‌کنندگان «رسانه‌های آزاد و کثرت‌گرا» را پیش‌شرط مهم دموکراسی و حکومت‌داری خوب می‌دانند. بنابراین به‌عنوان شرط همکاری و به‌عنوان بخشی از همکاری‌های توسعه‌ای گنجانده شده است.

موسسه سویس پيس (Swisspeace) یکی از سازمان‌های غیردولتی است که نقش رسانه‌ها در ایجاد صلح را زیر عنوان «رسانه‌ها و صلح‌سازی؛ مفاهیم، بازیگران و چالش‌ها» بررسی کرده و نتیجه‌گیری می‌کند که رسانه‌های غیردولتی و مستقل برای این که بتوانند به ایفای نقش سازنده در ایجاد صلح در کشورهای درگیر جنگ‌های مسلحانه بازی کنند، نیاز دارند به‌صورت پیوسته از سوی تمویل‌کنندگان مورد حمایت قرار بگیرند. چنانچه که در گزارش این پژوهش آمده است، حمایت از رسانه‌ها که در کشورها و مناطق درگیر جنگ‌های مسلحانه بیشتر الزامی است، باید دارای مکانیزم زیر باشد:

کمک رسانه‌ها در مناطق درگیر جنگ

رسانه‌های فعال در مناطق درگیر جنگ توجه تمویل‌کنندگان و سازمان‌های غیردولتی را به خود جلب کرده‌اند، زیرا در بعضی موارد با نشر سخنان نفرت‌انگیز و گزارش‌های جانب‌دارانه مورد استفاده قرار گرفته‌اند تا باعث دامن‌زدن به درگیری‌ها شوند. اما به‌طور کلی، نقش رسانه‌ها برای ایجاد صلح دوبرابر ایجاد جنگ بوده است و رسانه‌های حرفه‌ای صرفاً به‌دلیل وجودشان می‌توانند تأثیر مثبتی در ایجاد صلح داشته باشند، از طریق ارائه اخبار و گزارش‌های بی‌طرف اطلاع‌رسانی درباره نظرات و دیدگاه‌های مختلف و ایجاد نظر آگاهانه و بی‌طرفانه، پرداختن به موضوعات محوری مربوط به صلح و درگیری، بهبود دانش افراد در صلح و درگیری با موضوعات مرتبط مانند انتخابات، علل درگیری، درک بین قومی، تبعیض، کمیسیون‌های حقیقت و جنایات جنگی، ایجاد انگیزه برای تغییر رفتار یا نگرش و مقابله با تصاویر یا تبلیغات دروغین از جانب رسانه‌های مغرض جوامع را قادر می‌سازد تا با گذشته کنار بیایند و آینده مشترکی بسازند.



حمایت از رسانه‌های مستقل، کمک به ایجاد صلح

در جریان درگیری

در وضعیتی که درگیری جریان دارد، نیازها و مداخلات با توجه به شدت خشونت و سطح درگیری متفاوت است. در مراحل حاد (خشونت آشکار، مهاجرت اجباری، تخریب خانه‌ها، کمبود مواد غذایی، وخیم‌تر شدن وضعیت و وضع مقررات رسانه‌ای بالا)، نیاز به اطلاعات بشردوستانه برای گروه‌های آسیب‌پذیر (پناهندگان، بیجاشدگان داخلی) بالاترین اولویت است مانند اطلاعات مربوط به مکان و نحوه برای دسترسی به پناهگاه، غذا، آب، اردوگاه و دوا. در نتیجه، امنیت کانال‌های اطلاعاتی با تهیه رادیو و سرمایه‌گذاری فرستنده‌ها بسیار مهم است. نیاز به گزارش متعادل، یعنی اخبار بی‌طرفانه و دقیق از اهمیت بالایی برخوردار است.

پس از درگیری (یا مرحله گذار)

در شرایط پس از درگیری، با اجرای توافق‌نامه‌های صلح، بازسازی، گسترش زیرساخت‌ها و جامعه مدنی، تنظیم آرامش بخش از رسانه‌ها همان نیاز کلی است که در مرحله جریان درگیری وجود دارد. با این وجود می‌توان فعالیت‌ها را به‌شدت تشدید و متمرکز کرد. از آنجا که خشونت آشکار متوقف شده است، فرصت‌های بیشتری نیز وجود دارد، به‌عنوان مثال: ایجاد نظام‌مند ظرفیت رسانه‌های محلی، تأکید بیشتر بر آموزش در مناطق جنگی، پشتیبانی برای تقویت کار رسانه و ایجاد هر دو کثرت رسانه‌ای و چارچوب نظارتی.

کمک طولانی مدت

چشم‌انداز بلندمدت کمک رسانه‌ای در مورد وضعیت توسعه که مدتی پس از مرحله پسا جنگی آغاز می‌شود، هنگامی که شدت درگیری به سطحی کاهش می‌یابد که امکان بازسازی و توسعه مداوم را دارد، اعمال می‌شود. از آنجا که حمایت از تقویت دموکراسی‌ها به فعالیت اصلی تقریباً همه تلاش‌های «توسعه» تبدیل شده است، ۱۴ مورد مشخص زیر عنوان اهداف درازمدت برای کمک به رسانه‌ها تعریف شده که به شرح زیر اند:

- جریان آزاد اطلاعات این اطمینان را می‌دهد که شهروندان به‌جای اقدام نادرست، ناآگاهانه، انتخاب‌های مسئولانه و آگاهانه انجام می‌دهند؛
- اطلاعات با اطمینان از این که نمایندگان منتخب کار خود را مطابق با قوانین دموکراتیک انجام می‌دهند، در خدمت «بازرسی یا نظارت» است.

در این دیدگاه ایده‌آل، رسانه‌های آزاد، متکثر و مستقل برآیند میان‌مدت هستند که در خدمت هدف نهایی ایجاد یک دموکراسی کاملاً کارا و نوپا با یک جامعه مدنی فعال سیاسی قرار دارند. بنابراین رسانه‌های که توسط دولت‌ها هدایت و یا به‌طور آشکار کنترل می‌شوند، باید به یک بخش متنوع و باز تبدیل شوند که دیدگاه‌های مختلفی را ارائه می‌دهند و دارای درجه‌ای از استقلال تحریریه و تأمین‌کننده‌ی منافع عمومی‌اند. این رویکرد طولانی‌مدت می‌تواند به‌عنوان ادامه کمک‌های رسانه‌ای در مرحله‌ی پس از جنگ و یا به‌عنوان کمک رسانه‌ای در همکاری‌های توسعه در کشورهایی که قبلاً درگیری خشونت‌آمیز رخ نداده است، اعمال شود.

انسجام بین کمک رسانه‌ای کوتاه‌مدت و میان‌مدت بلندمدت

کمک به رسانه در مرحله کوتاه‌مدت و میان‌مدت، به‌ویژه در مرحله پس از جنگ، ارتباط مستقیمی با کمک درازمدت رسانه دارد، که به‌طور معمول تحت «حکومت‌داری خوب» یا «تقویت دموکراسی» اجرا می‌شود. بنابراین فعالیت‌های کمک کوتاه‌مدت رسانه‌ای برای صلح‌سازی باید با اهداف بلندمدت منسجم باشد زیرا مرحله پس از درگیری زمینه را برای یک سیستم رسانه‌ای کارآمد آماده می‌کند. به‌عنوان مثال، تصمیم‌های کوتاه‌مدت در پرسش‌های حقوقی (قانون و مقررات رسانه) باید هدف بلندمدت تکرر رسانه‌ای و همچنین یک بخش اقتصادی مناسب را در ذهن داشته باشد.

تأثیرات کمک رسانه‌ای در سازش صلح

در حال حاضر یک مدل محرک رسانه‌ای مانند پیام یا خبر باعث اثر مستقیم فوری نفرت و خشونت می‌شود. با این حال، دانش عمومی تحقیقات رسانه‌ای این است که این مدل محرک، پاسخ ساده به اندازه کافی برای پیش‌بینی نتایج کارزارها پیام‌ها یا توضیح اثرات مصرف روزانه رسانه‌ها کارا نیست. با در نظر گرفتن واکنش‌ها و انتخاب‌های فردی مصرف‌کنندگان، در حال حاضر از مدل‌های پیچیده‌تری برای تعمیق دانش درباره تأثیر رسانه‌ها استفاده می‌شود. با این حال، آن‌ها تا کنون به ندرت در زمینه صلح و درگیری در زمینه رسانه‌ها استفاده می‌شوند، که ممکن است با وجود تنظیمات و ارزش‌های مختلف فرهنگی، دشوارتر باشد. فقط برخی از برنامه‌ها که توسط تحقیقات اجتماعی پشتیبانی می‌شوند، به‌عنوان مثال اپراهای رادیویی با مدل پیچیده‌تری کار می‌کنند اما الگوهای مختلف مثبتی را برای مخاطب ایجاد می‌کنند.

با این حال پروژه‌های رسانه‌ای غالباً فقط براساس فرض «معکوس» طراحی می‌شود: تصور می‌شود برعکس آنچه که برای تحریک نفرت و درگیری مؤثر بوده است - فقط با طراحی تأثیر مخالف/ مثبت - می‌توان برای ایجاد آشتی یا صلح کار کرد. این روش اما پرسش‌برانگیز است، چون به‌نظر می‌رسد که دستیابی به تغییرات نگرش و رفتار -مانند حرکت به سمت تحمل بیشتر یا همدیگرپذیری قومی- دشوارتر از انتشار پیام‌های حاوی نفرت است که در یک موقعیت خاص ممکن است بلافاصله اقدامات خشونت‌آمیز را تحریک کند.

تأثیرات محدود و نامطلوب

آگاهی از تأثیرات محدود رسانه ضروری است. در تنظیمات قبل یا بعد از جنگ، رسانه‌ها قادر به تغییر علل اصلی درگیری نیستند، اما با نشر خبر و گزارش‌های درگیری می‌توانند اثرات نامطلوبی ایجاد کنند. گزارش شدید می‌تواند انتقام یا تحریک خشونت جدید را تحریک کند. این نیاز به بررسی دقیق توسط ویراستاران، ناشران و تمویل‌کنندگان دارد. بنابراین حمایت از رسانه‌ها باید در یک استراتژی منسجم سازندگی صلح ادغام شود.

سویس پيس (Swisspeace) که مقر آن در شهر برن، سوئیس است، یک موسسه تحقیقی است که تمام فعالیت‌هایش متمرکز به صلح است. هدف از فعالیت‌های این موسسه جلوگیری از بروز درگیری‌های خشونت‌آمیز و امکان ایجاد تحول پایدار است.



فروشگاه F45 افتتاح شد!



سرک عمومی قلعه فتح الله، بین سرک ۸ و ۹، سعادت پلازا، کابل - افغانستان.

www.f45.af/info